

شب. تاسوما و ماشورا و روزهای مذکور را با کمال سوکواری بزازاری قیام نموده عصر یوم یازدهم مراجعت بشام نمودند.

این روزها مضمون توزیع تذکرة اقامت مطبوعه جدید طهران که مختم بختام اداره مرکزی تذکرة در طهران است - بموم تبعة ایران هستند - لکن چه تبعة باستانی چند نفر باقی یا شاکرد قهوهچی هستند یا مهتر و کالسکه اینها ثمره بی‌علی است که هم بی سواد و بیمار و بی تکسب و صنعت اند و لابد هستند بجهت قوت و معاش یومیه شاکردی یا مهتری کنند

(رسم آزردن شوی ورنه سخن بسیار است)

پاری از مطلب دور اقتصادیم جناب حاجی میرزا موسی خان جنرال قونسل بصره ولد ارچند جناب (مفخم‌الملک) جنرال قونسل نام که بسبب ناسازگاری آب و هوای بصره بجزاج ایشان در شهر رمضان از سفارت کبرای اسلامبول استعفا خواسته و قبول شده بود - در شهر مذکور از بصره حرکت نموده شوال وارد بغداد شده پس از چندی اقامت بجهت عتبه بوسی آسان حضرات ائمه هدی در نجف اشرف و کربلا و کاظمین در نجف شهر ذیحجه وارد شام گردید در عشر دوم ذیحجه حسب الامر سفارده کبری و جناب (مفخم‌الملک) والد ماجدشان تازم علیه اسلامبول شد - از قرار مسموع بسمت معاون و پیش کاری جناب آقای صفاالملک مستشار سفارت کبرای اسلامبول و جنرال قونسل و امین تذکرة ممالک عثمانی مفتخر و مبله گردیده - الحاق کاله نجابت و اصلت و لیاقت را داراست لسان فارسی و ترکی و عربی و فرسای را کاملاً تکلم میکند در نوشتن فارسی و ترکی و فرسای هم کمال تسلط را دارد - امین است یا این کلمات به توفیق فوق‌العاده نائل شود دیگر آلتکده مطلبی در نظر بود از بابت قونسل

(بیروت) فراموش شد هر چه پیش از قبل عرض کنیم جناب عرض نمودم حضرات حججی که همراه محمل شریف از راه خشکی تازم مکه شدند با کمال آسودگی بودند و تلکراف ورود ایشان در ذیحجه از مکه معظمه رسید - و پس از آن قریب هفتصد نفر حاج ایرانی

همراه حمله دارهای راه جبل وارد شدند که به بیروت رفتند از راه دریا بمکه مشرف شوند مفخم‌الملک در رقاء و خوشنودی آنها کوشیده دنیاری از بابت قول تذکرة و غیره از آنها مطالبه نمود - حجاج مذکور با کمال رضایت از جنرال قونسل تازم بیروت شدند - در بیروت اداره قونسل عثمانی مطالبه تذکرة مرور نمود و حال آنکه هیچ سال اینک در بیروت نبود - (قول تذکرة يك فروش صاع است) قونسل بیروت که از اماری معروف بیروت تلکراف سفارت تبعة اسلامبول نمود جواب رسید بقرار هر ساله معمول شود - قونسل بی اطلاع بغير همتد نفر حاج ایرانی را نسیم اداره عرس عثمانی نمود - از هر کدام يك مجیدی سفید کک ۱۹ فروش صاع باشد گرفته و تذکرة مرور دادند - این بی اطلاع فهمید و نسنجیده که مراله حاج مستنی هستند و دنیاری نمیدهند تسلیم شد و حال آنکه حق قول تذکرة يك فروش صاع است در تذکرة مرور و در تذکرة که تازه بکیند قیمت آن ۵۰ فروش صاع میباشد - از بی اطلاعی قونسل مذکور همتد مجیدی ناسخ از حجاج بچاره گرفتند - و حال آنکه بموجب اوامر جدیده امسا در استدریه و بوسی قونسلهای ایرانی از بابت تذکرة ابداً از حجاج چیزی نگرفتند - از قرار مسموع چون قونسل بیروت نصرانی و تبعة دولت علیه عثمانی است خواسته خدمت بدولت خود کنند

بموجب اخبارات تلکرافی محمل شریف ۲۸ ذیحجه از مکه حرکت نموده بسلامت در شهر محرم وارد مدینه منوره شده الشاهقه ناچیه شهر صفر وارد شام خواهد شد - بواسطه وقوات جزئی که هنگام رفتن بمکه بن الحرمین و بعد از نزول از منا و عروقت در خود مکه واقع شده ترنطینه سخت از راه دریا همه جا گذارده اند من جمله در طورسین حدود مصر ۲۵ یوم در بیروت ۵ یوم در ازبیر و اسلامبول هم بر قرار است (الحاج قربانلی هنر مرانی)

مکتوب از کربلا

آب اطراف کربلا را احاطه کرده و ولایت مانند کشتی در طوقان و کرداب اقتصاد است قریب دویسه

هزار نفر مشغول بستن سد میباشند - و مزد عملجات را حکومت اراکالی به اسم نامه جمع مینماید و هستند از اربابها هم اجانه بگیرند و از بعضی هم بزور اخذ شده باشد طاقت دیر باز نماند

درین ماه در حقه جناب . . . . حجة لاسلام مجلس شد جمعی از علماء و اعلام و نمایندگان دولت شایسته بر آن شرف حضور داشتند پس از مشوره در آن قرار شد که چون زینده املاک کربلا مال ایرانی است و از آب سد هم معوم دارد و مخصوص عرب نیست - ایضا لازم میباشد که ایرانی ها هم در آب دولت و حکومت را اجازت کنند ولی اگر بجا باشد که از معوم زمین ایرانی وجه گرفته شود بدعت خواهد بود - در این باره مشکلات خواهند بود - کربلا را

عاب رسید برای که کربلا کافی دارند محتاج میباشد نباید این سد را گرفت طاقت قرار بر این دادند که از زمینها جدا نمائند جمع نمایند - و خود آیین پرور شهر خیمه بر پا کرده و دوپست نفر کم یا بیش هم بمانند و در آنجا و مزد آنها را در سد برق مانده بمانند و سد آنها مشغول بستن سد و کار کردن کردند این بند ولایت از آب سالم خواهد ماند یا خیر

نیز در مورد بنام هرگاه در شیدوی برد باعث خرابی سد میشود و در آنجا آب بشهر خواهد ریختند و خودش اصلاح فرماید

شخصیکه درین شهر نامه داده اند و ما مطلع شدیم در آن اوقات در ملائطه ترتیب نام از قرار ذیل اند

- شاهزاده اعظم فرما فرما ۳۰ لیره
- آقا سید علی آقای قطب ۱۵ لیره
- آقای نظام العلماء ۱۵ لیره
- حجة لاسلام آقای صدر ۱۵ لیره
- حجة لاسلام حاجی شیخ حسین ۱۰ لیره
- آقای حاجی شیخ علی اخوی ایشان ۱۰ لیره
- حجة لاسلام آقا سیا نافر ۱۰ لیره
- حاجی سید یحیی صرف ۵ لیره
- حاجی سید جعفر صرف ۲ لیره
- حاجی خلیفه حسن تانوا ۲ لیره
- حاجی محمد جواد نزاز ۲ لیره

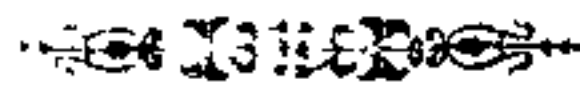
حاجی سید حسین نزاز ۱ لیره  
حاجی محمد علی نزاز ۱ لیره  
ملا لطف الله فاضل اردبیلی يك مجیدی

از روز شنبه ۱۹ محرم هفتاد نفر جمله مشغول بکار شدند از جانب علما امر روز یکصد نفر بر هفتاد نفر افزوده شد و قرار دادند که طول سد سه متر و عرض سه متر بالا باشد خداوند سایه بانه پایه علماء اعلام را از سر اهل کربلا کم و دولت فرماید الحقی کمال می در نگاهداری عزت و شئون ملی دارند و نمیگذارند که هیچ گونه سده و یا بعدی از دیگران رعایای ایران وارد آید

حیات حال نهم

از آنرا که کربلا محل کرب و ایالات اهالی این بند طیب است - ساله شش ماه از بی آب و خش ماه دیگر از سیلاب در رحمت است - و هر سال دولت ولایت سبزی تراف صرف این در خادنه نموده بطریق آبی این سده را از خود منع میکنند - دولت عاب عابیه و اهالی کربلا همت واقفا در مایند و يك مرتبه بطور صحیح رابع این حادثات منعی الوقوص را از خود بفرستند - ساله مبتلای این باریت نخواهند شد و این امر بسته به توجه حکوم - ایضا رعایای اعلام کربلا میباشد بهتر در همه آن است که در سد سبزی و تعمیر بده از اهالی شهر قائم دار - رفیع رفیق از املاک و اماکن بده مرز در آن - لایه در وقت بود تا هم رفع این غایب بشود و از سدات دیگر نیز آسوده مانند ورنه هاره دولت و ملت در صدمه و ذیت و دفعه خاطر بی خواهند بود شهریکه اداره نظیفیه و تعمیر بده نداشت باشد هیچگاه اهالی از آفات طیبیه مصون و محروس نخواهند بود و تا اداره بدهیه تشکیل نیابد شهر محروس نخواهد شد ولی اعضای این اداره لازم است از اهالی شهر باشند نهایت دولت يك نفر رئیس میتواند بر آنها مقرر نمود در بلاد خارجه بزرگترین ادارات اداره نظیفیه و تعمیر بده است و نزد ملت و دولت وقار و اعتبارش بسیار میباشد و تمام اعضای از اهالی همان بده منتخب میشوند این است که دولت آسوده رعایا صرفه الحبال و همه روزه شهر در آبادی است امیدواریم که متصرف حالیه کربلا این یادگار را نیز مزید بر سایر خوش نامیهای خود نمایند

اعلان



در شهر مسکو ( روسیه ) .

بخریداران محترم معرفی میشود ( کنیاک ) و ( لیکور ) روس از کارخانه شرکت

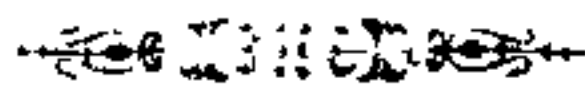
( ن . ل . شوستوف ) باسرانش

در آکسپوزیسیون ( نمایشگاه ) پاریس اول درجه امتیاز باین شرکت اعطا شده است

کتابچه امتعه که تفصیل نرخ و غیره در آن ثبت شده بخریداران مجاناً داده میشود

No. 1142811

**NOTICE.**



**RUSSIA ..... MOSCOW.**

**WE RECOMMEND OUR**

**RUSSIAN**

**COGNACS and LIQUORS.**

**N. L. SHOUSTOFF & SONS.**

**Highest distinctions from universal exhibitions.**

**write for Catalogue.**

نسخه اصل است

§ ( سوم ) - میزان يك جزو را چهار صفحه  
 ياد و ورق جبل التين قرار داده ایم - امم براي صفحه  
 هان قطع را چهار صفحه يا هشت صفحه و باشازده  
 صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد شد -  
 اگر اندکی ( یعنی تايم ايج ) - رع کرده قطع کاغذ کم  
 يا بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود  
 § ( چهارم ) - حروف درشت و متوسط و ریزه از  
 ملاحظه لوحه احبار جبل التين ظاهر میتواند شد  
 § ( پنجم ) - خط مطبوعات سگی مطبع اعم از  
 نسخ - سحتلیق - شکسته مطابق خطوط متوسطه  
 - ائل منطقه عمی و سائر ملاد هند خواهد بود  
 § ( ششم ) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام  
 اموری جزوی ده روز مقرر است  
 § ( هفتم ) نصف اجرت طبع پیش لرقه میشود  
 و نصف دیگر پس از اتمام نصف ملیجر مطبع  
 • • • **برخ نامه** • • •

لی حرو حروف ریزه حروف متوسط حروف درشت خطی من سنی  
 مراد نسخه ده رویه ۹ رویه هشت رویه هفت رویه  
 با صد سه هشت رویه ۱۰ رویه شش رویه پنج رویه

حب سیلوا

حب در ایجاد و تربید قوه ماه و امساک و رفع  
 سرعت ازاله حقیقت عیش جوانی و معنی نشاط  
 و کسراتی است نه آنقدر نافع و مفید است که بیان  
 توان نمود حتی آنکه اگر حوی مسلوب القوه یا پیری  
 ضعیف القوه باشد و استعمال این حب نماید صاحب قوه  
 نامه خواهد شد و علاوه بر این بجهت امراض عدیده  
 خصوصاً تقویت دماغ و رفع سستی و رخاوت  
 آن - وضعف و لاغری بدن - صرع و وعشه فالج  
 و لقوی - حرق النساء و نزله و بدعضی فنا  
 که بسبب زیادتى مشغله و خیال باشد و سلسل المنی و  
 خیالات فاسده که موجب کسالت و بطلت باشد نافع  
 و بی نظیر است و در نسوان مسمن بدن و باعث آمدن  
 حیض بقاعده طبیعی میباشد و هر يك از صاحبان که  
 طالب باشد ( در بمبئی اورینتال فارسی باه کله ) رجوع  
 فرماید سکه خواهند یافت و قیمت شیشه که بجهت

شرکت کارخانجات

بلورسازی آفتون که

§ ظروف بلور و شیشه - اشیاء میر  
 هارخوری - لامپه آلات - اقسام شیشه  
 معموله در دواخانهها - شیری خوری -  
 شیشهها جهت عطریات - سکهها جهت  
 مشروبات - شیشهها جهت مخزیه و عمل  
 شمک - ملزومات چراغها با انواع و اقسام -  
 در کارخانه فوق الذکر حاضر است - و فرمایش  
 همه نوع اسباب بلور و شیشه هر قسم و  
 رکیب سکه حوته باشد قبول میشود  
 مرکز کل کارخانه و ابار در شهر  
 (مسکو) میباشد  
 در توجه ( میاسیسکایا ) در خانه  
 ( نامه سکوف ۶ )

NOTICE.

All advertising in this paper or  
 with our other publications will exclusively  
 be carried by

Advertising Agency

L. & E. METZL & CO

Moscow and St. Petersburg

By telegram or otherwise to our agents

All inquiries in this paper in connection  
 with advertising in "The Mitr" are to  
 be directed to the above mentioned Advertising Agency"

شرح اجرت طبع کتب و غیره

§ اعضای مطبع بشرايط ذیل برای طبع مرکونه  
 کتب عربی - فارسی اردو - و غیره حاضراند  
 § ( اول ) - اجرتیکه ذیلا در رخ نامه معین شده  
 فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن  
 کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صفائی و جه بندی  
 و غیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع  
 مستعداند که هر قسم دستور العمل داده شود تکمیل نمایند  
 § ( دوم ) - صبح ذمه دار جهت مطبوعات خود مطابق

استعمال یکماه کفایت میکند از قویتر (شتر رویه) است و در زنی که دوازده چخته باشد (شصت رویه) میباشد وضع استعمال آن اطراف شیشها بچده است

**وضع ترکیب استعمال حب سیلوا این است**

روزی هومرتبه یک حب بعد از نهار و یک حب بعد از شام به آب خالص بلع نمایند. و اگر در عرض ده روز فائده بر حسب استدعا مقرب نشد باید که روزی سه ققره سه حب بخورند. به این ترتیب که یک حب بعد از ناهتا و یک بعد از نهار و یکی بعد از شام و در ایام استعمال حب (سیلوا) باید که اغذیه مسمن بدن صرف شود

« نقل از روزنامه شریفة ادب »

( حب الوطن من الايمان )

§ حب وطن آتشی است در کانون قلوب تمام موجودات جهان افروخته و هرگونه خار و سمن از شعله آن خود را سوخته دارد

(ابان بن عمرو) یا (ابان بن سعید) گوید در سنین قبل از مکه معظمه بیرون آمده بقصد زیارت رسول خدا طازم مدینه کشتم چون بیابوس آنحضرت مشرف قدم فرمودند (یا آبان - کیف ترکت مکه) یعنی ای ابان مکه را چگونه برجای گذاشتی - عرض کردم (ترکت الافخر و قد اهدق و التام و قداورق) یعنی برجای گذاشتم مکه را در حالتیکه (افخر) برومند شده و تمام برك آورده بود ( قاضو رقت عینا رسواقه ) یعنی فوراً از شنیدن این مقال چشمهای مبارک پیغمبر خدا دو اشک دیده فرو رفت و بلال بن حمامه حبشی این دو بیت را انشاد نمود

الا لیت شمری هل ایقن لیله

بواد و حولی افخر و جلیل

و هل اودن یوما بیاه بجنه

و هل بیدون لی شامة و طفیل

یعنی آیا ممکن است که من شبی در وادی بطحا بسر برم و کنار خود را پر از (افخر) و جلیل که در آن دشت روئیده اند در نگرم آیا میشود بار دیگر که بر آبهای (بجنه) وارد آیم و خواهد شد که چشم بیدار شامه و طفیل روشنی یابد (فقواللهی سلی الله علیه و آله وسلم) خلعت یا بن السوداء : ثم قال اللهم ان خلیک دعاک و انا عبدک و رسولک ادعو

للمدینه اللهم صححها وجها الینا کما حیت الینا مکه اللهم باریک لم فی مدغم وصاعده و انقل حواها الی خیر - اوالی (جحفه) یعنی پیغمبر خدا فرمود خلاف عهد و نصیحت بجای آوردی ای پسر کنیزک سیاه پس فرمود بار خدا یا خلیل تو ابراهیم در باره مکه دعا فرمود و اینک این بنده پیغمبر تو در باره مدینه دعا میکند بار خدا یا برکت ده وزنه و پیمانة اهل مدینه را و تب و ناخوشی را از اینجا باز رانده به بلاد (خیر) و یا (جحفه) منتقل فرما

از این بیان دو مطلب محقق گردید یکی شوق رسول خدا بخسانة خدا که از عهد حضرت اسمعیل علیه السلام تا روز هجرت مسکن خانواده و موطن دیرینه آن بزرگوار بوده و بواسطه آن شوق از وصف خرمی آن دشت و نزهت آن صحرا قلب رقیق نبوی بهرجان آمده و اشک چشم شریفش جریان یافته است دیگر اینکه بعد از انشاد دو بیت بلال آنحضرت بدو واسطه عقلی و طبیی واردات ضمیر منیر خود را مکتوم داشته و بروی عناب فرمودند - نخست اینکه مبادا مردم المصار از این معنی مکرر گفته و ذات اقدس نبوی را که مالک رقاب کل امم بود در مدینه خود موافق این نص شریف بیکانه و غریبش پندارند - دیگر اینکه خود آن حضرت میخواست مدینه را مسکن همیشگی و موطن اهل و اصحاب قرار دهد و باوجود این تصدیق دلهای مسلمانان از نشیمن در آنجا رنجه میشد اینک گاه آنست که لغات مشکله این روایت و منعلقات آنرا با تفصیل بیان کنیم

(افخر) بافال و خاه معجمین برون (زبرج) گیاهی است که احسن انواع آن در صحرای مکه معظمه میروید و بری و آجایی آن نیز بسیار است گیاه مزبور شاخهای بسیار باریک دارد که همه از یک بیخ رسته اند و شبیه است به نیایی که آنرا (کولان) گویند ولی در حجم و قد آن سکوچکتر است و مائل بسرخ و زردی و نهایت تند بوی میباشد سائیده آنرا با بیخ آن اهل مکه (فسول) مینامند و از آن دمت همین شویند : شکوفه آن بسیار آبیوه و سفید و معطر با طعم تند و آژنده زبان : آنرا (نتی) مکه و خلال مأمونی و (نیب الغراب) نیز مینامند و پیچاری

مقاله یکی از دانشمندان

( شماره ۱۰ )

( نیروی دولت ایران )

بلی اگر انجمن کنکاشی میداشتیم و با اداره نافع  
وظیفه دار وظیفه شناس قدیمه حیات آن وطن پرست  
غیور با سرمایه معاشش پیوده لاکنش زرقی سهولت  
در سایه این غیرت و زحمت دودمانش دائم یافته و نام آور  
و وطن و اهل ملت از شک این احتیاج رهائی یافتند  
بلی اگر انجمن کنکاشی و اداره نافع مسکه  
نمیخواست قح شخصی را بر رفیع دولت و ملت و  
وطن ترجیح دهد میداشتیم (بند اهواز) بایر نمی ماند  
ملک اهواز دایر و معمور گشت یک میلیون بر رعیت  
دولت افزوده و از آن خاک سالی صد میلیون بوطن  
بهره رسیده و خزانه دولت کرورها منتفع میگردد  
بلغاریا با زحمت معدن نفتی بسکف آورده  
و اینک بکار انداخته با نفت روسیه بنای رقابت را  
گذارده است ولی هزارها معادن نفت ما در روی  
زمین جاری و دیناری بدولت و ملت و ملک بهره  
نمی بخشد - با آنکه بلغار هنوز جواز برخی کارها را  
ندارد چند فریوند کشتی تجارقی راه انداخته و گفتها  
بطرزی ساخته شده که در هنگام حرب شایسته جنگ  
و بکار بردن در حرب میباشند اگر در این عصر آخر  
دستگاه عدل و دادما دایر میبود و ملت از حق و قوف  
خود مستفید میگردد اینک ایران دارای پنجاه میلیون  
قوس و ثروت فوق العاده و قوی بجه زمین جمیع دول  
و نطق دولت و صدر اعظم ایران نظر دقت عموم را  
جلب مینمود و بحسب اهمیت موقع رشتا پولتیک در  
دست وکلای ایران بود

حیف و صد هزاران حیف این سخنان بگوش  
اولیای امور بقدر حکایت دزد و قاضی اثر نمی بخشد  
بلکه بادی قهقهه ایست - حال آنکه جبهه انبیا  
مدعی ما ترقیات سی ساله دولت ژاپون و ارتقاعات  
یست ساله اموات افغانستان کافی است

بلی ترقی ملت بسته بهیرت و زحمت و ترک خود  
فرضی اولیای امورست چون تبلی و خود فرضی  
از برای آنان طبیعت ثانوی شده است ترک طاقت در  
نظر ایشان دشوار مینماید - آری مثل است مشهور از

اختیار نموده بودند که ابداً بوی نصب از افعال و کردار  
آنها ظاهر نمیگردید و مذهب اسلام را مخزن امورات  
مذهبی و رسم و رواج ملکی خود تصور نمی نمودند  
یعنی مسلمانان تمام آداب و رسوم چینیان از ملبوس و  
مآکول و مرسوم معمول میداشتند و در مجالس هنرا  
و سوپ با آنها مخلوط بودند یعنی سوای اعتقاد قلبی  
با چینیان هیچ فرق نداشتند اهل چین را عقیده این  
بود که مذهب اسلام هم یکی از مذاهب (بوده) است  
ازین رو مسلمانان و مذهب اسلام را بمظمت و توقیر  
یاد میسکردند و چون در مجالس مسلمانان شرکت  
مینمودند آنها نیز با آداب اسلامیان عمل میکردند و  
وقتی نام یکی از بزرگان اسلام را می آوردند چنانچه  
مسلمانان تعظیم مینمودند چینیها نیز تعظیم میکردند و  
بعضی از چینیان نذور و تبرکات بنام بزرگان اسلام  
میدادند (چنانچه امروزه معمول بعضی از فرق هندو  
هندوستان است)

مسلمانان بجهت آنکه خون نمصب در جسم اهالی چین  
بجوش نیاید منارهای مساجد خود را از منارهای معابد  
چینیان کوچک تر ساخته بودند بقدری مسلمانان در چین  
آزاد بودند که قشون اسلام و تانار و چین بطریق جماعت  
واحد در یک اردوگاه قیام مینمودند و از جانب دولت  
نیز آزاد بودند و تمام مسلمانانیکه بعهده های بزرگ  
دولتی مأمور میشدند بدون هیچ گراهتی با کمال دیانت عمل  
مینمودند حتی در ایام اعیاد چنانچه رسم تمام ملازمین  
دولتی چین بود که سه مرتبه در مقابل تصویر خاقان  
یوشان ضراعت بر خاک نهند آنها نیز میگذارند خاقان  
چین هم ( تا قبل از ایام بلوی مراطاییکه در حق  
ساز رطابی خود مرعی میداشت در حق اسلامیان  
نیز می نمود و از فوائد ملکی و مناسب دولتی و  
حقوق رطابی ابداً محروم نبودند بواسطه لیاقت  
شخصیه در عهده وزارت اعظم و والیکری صوبه جات  
و سپهسالاری فوج و حکومت عدالات و غیره زیاده  
مسلمانان مقنن میشدند علاوه بر اینکه از کتب تواریح  
چین نام افسران و عهده داران بزرگ اسلامی ظاهر  
میشود در علوم و فنون ریاضیه و هیئت و ساز صنایع  
هم مسلمانان در چین مقام ارجند داشته اند  
(تی دارد)

هری تا تهری یک قدم بقصد است و ما هرگز  
 مینای ای اولیای امور جیوه و یکم کرده بنام به که صد  
 زنده به نیک

(بوفر جهر میفرماید)

نخست در صلاح ملک و ملت از شهوت که اساس  
 موه فرضی است و غضب که ماسی حق است پرهیز  
 لازم و در هنگام اقدام به امور سیاست و ملک  
 و ملت باید خود را تا کنز از استشاره و کنکاش  
 دالت بحسب مقام باید در تعظیم علما و امرا جهد  
 بلیغ نمود نیکوکار و بدکردار را بدون تأخیر باید پاداش  
 و کیفر داد و در نگاه داری حدود و سلوک با رعایا  
 در نخستین پایه وقت بکار رود در آوردن لشکر  
 و سلاح جنگ می غنات نساید و وزید تدارک حرب  
 را هر خور رتق هجوم همجواران باید نمود هر کشور  
 جاسوسان بر انگیخته تا از نیک و بد کردار و مشوار  
 حکام و ولات آگاهی حاصل نمود و با وزیرا مهربانی باید  
 کرد تا کارها بسدق کنند

اینکه اروپاییان بدین درجه ترقی کرده که مالک رقاب  
 ظلم شده بواسطه آن است صکته ملت از حق و قوف  
 خود نگاه است محض مزید بصورت می نگاریم که چندی  
 قبل کشتی موسوم به (روس) فرانسویان غرق شده بود  
 پس از گرد آمدن مجلس مبعوثان از (موسیو دولاه)  
 ناظر بحریه فرانسه سبب غرق کشتی را سؤال نمودند  
 ناظر بحریه بدون آنکه نکوید سردک خرسوچه پاسخ  
 داد تا یکماه دیگر توضیحات لازمه داد خواهد شد  
 معلوم است چنین دولت و ملتی ترقی و دستگاه مایه  
 و حرب و قوه بحری او مضبوط میگردد ولی دولتیکه  
 هزار سرباز از صاحب منصب خود شکایت نمایند که  
 جیره و مواجب چندساله ما را خورده و بانها سایداند  
 و اولیای امور محض خاطر خواهی صاحب منصبان سرباز  
 بچاره را تهدید نمایند که آن دولت نه دارای سیرک است  
 و نه دارای سطور نه میتواند ماحله تملکت خود را امن  
 نگاهدارد و نه با طارچی برای مقاومت خواهد داشت  
 بجای تأمل اینجاست در حلقی که نتوان فرودستی  
 بیادست ترا از خود حجه حفظ حقوق خویش مکالمه  
 و مقابله نماید بلکه هر آنکوه یک نورنگاه بیشتر دارد  
 بر آنکه کتار مله میخواند که در فراتزی و فرمانروائی

نموده و سرف سندان او لاداً بکوش وی فرو نیورد  
 آرزو تو امید ترقی بیجاست

کلی شایید ترقی در مد نظر ما مانند امواج دریا  
 ترام میناید ولی هزار افسوس بدون آنکه هیچ شکل  
 و ترکیبی حاصل نمساید بیک چشم بر هم زدن عمو و  
 ذایل میگردد زیرا نخستین و سایل ترقی ساقه غیرت  
 و شجاعت ختری و قوت هنرم و داعیه ناموس است  
 که از عزیزات انسانی میباشد و خون در جسم ما ایرانیان  
 منجمد و قاسد گردیده و از غیرت پدران خود بهره  
 و نصیب روزی ما نکرده و طبایع بدائت خو گرفته  
 زبردست کدازی را مایه افتخار و مباهات خود قرار  
 میدهم و عجز و فروتنی و ذبونی در مقابل حریف  
 را شعار خود نموده بلیک نام نهاده ایم چنانچه گویا صفت  
 علوی طلبی در ما خلق نشده تا آنکه زبردستان واسطه  
 و آلت ترقی ما میباشند وجود آنان را لایضر و لا ینفع  
 انگاشته و به بر انداختن لسل آنان مباهات مینمایم  
 افسوس که رقبای ما با دورین فراست بر این بی کفایتی  
 ماسیر و از سر شوق بر عقل و دالت ما خنده میزند  
 معلوم است دشمنان هرگز نمیخواهند ما از خواب  
 غفلت بیدار و در میان دولت و ملت و علما و ارکان  
 دولت ما و قاق و اتفاق حاصل آید زیرا بیداست اگر  
 دولت ملت را از نواقص ملک و کم و کاست دستگاه  
 حکومت آظمی بخشد چون نفع و ضرر بخود آنان واضح  
 است ناچارند از آنکه در آبادی و اعمار ملک و تکمیل  
 هر کونه نواقص جهد و کوشش و در تدارک قوه تدافعی  
 جانا و مالاً با دولت همراهی نمایند و رشته طمع رقبا  
 را بکلی منقطع سازند چون رقبای دانشمند هوشیار ما  
 بدین نکته دقیق پی برده اند بوسایل ممکنه مانع از  
 رفع قفاق و ترقی ملت و خود سازی دولت میباشند

من چه کوبم در همه ده زندم کو  
 سوی آب زندگی بوبنده ضکو  
 (راقم خیرخواه دولت)

سوانح صبری جناب حاجی زین العابدین آقا قی اف  
 (نمره ۱۰)

بفیکر (ساجی) در حق ارباب معارف و جرائد  
 نویسان فارسی و ترکی و عربی و فرانسه و روسی  
 خدمات نمایان فرموده که ما توضیح او را باعث خود



نمانی در این موقع میدایم و بعضی فرض دانستن بعضی بخردان و خود پندان به تصریح او چنانچه يك يك را میدایم نمی پردازیم و میگذریم اظهار من الشمس است که هر سال بهمت و مردانگی آن یکانه آفاق چه قدرها روزنامه جهانی محض بهوش آمدن بعضی بخبران مقرر فرموده که ارباب جراید به بلادیکه مسلمانان متوقف هستند ارسال نمایند و امر آورده است تا حکم ثانوی صادر لغود در هر جا از علمای مسلمانان طالب باشند جهانیان بنام آنها روزنامه فرستاده شود (گوش سخن غنوی کجا دیده اعتبار کو) این دو سطر هم تا یکدرجه حسو و زاید بود

انقلابات حیات انسانی و برای بقای حقیقت نام آدمی در این سرای فانی لذیذتر و بهتر از خدمات مابنای جنس خود در نزد مائل فرزاه چیزی یافت نمیشود آیا ما معنی وطن برستی و ملت پروری را که هر کس باواع مختلف نموده فهمیده ایم و پی بساحل بحر پهنادر تروت پرور که کوه کوه علامه معارف ربانی و شرافت انسانی از امواج او ریزانست برده ایم یا آنکه میگوئیم شرط ازدیاد تروت و معرفت ملت دوستی و وطن پرستی نیست پس از آنکه ما خاک وطن عزیز را مقدس شمردیم و ابنای او را کرامی داشتیم نیست و برخاست نمیکشیم مگر بیاد وطن زندگی خود را میبخوایم مگر برای ابنای وطن (دیرتون دالتز) انگلیسی که در شهر (ایدو نیورغ) مجسمه او را ریخته و بیادارش نصب کرده اند و تا دنیا بریاست نام نامی و اوصاف کرامی او نقل محافل و مجالس انگلیسان است خدمتی که بوطن و ابنای وطن خود کرده که ملتش بدین درجه احترام او را میکنند این است که در سنه یکهزار و یک صد و نود و دو هجری مطابق یکهزار و هصد و هفتاد و شش مسیحی دختر (نیال) پادشاه هندوستان بمرضی صعب گرفتار شد پادشاه و پسر کبان سلطنت از حیات او محروم شده اطبای حافظی از هر جا حاضر ساخته آثار بهبودی ظاهر نمود و هر روز ضعف او قوت میگرفت پادشاه بواسطه انحصار اولاد طاقت و آرام نداشت وزرا و ارکان دولت (دیرتون دالتز) مذکور را احضار کرده پس از آنکه مریضه را دید و مرض را شناخت بیاد شاه عرض بشارت و طاقت کرد پادشاه

(نیال) که قطع امید حیات فرزند دختر کرده بود فرمود اگر این دختر از مصالحتان تو صحت یابد و از بستر ناتوانی برخیزد تو را داماد خویش و او را منکوحه تو قرار خواهم داد و مقرر فرمود در سرای سلطنتی محل معین و او را باعزاز تمام جای داده خدمتگذاران بحضور او قیام کردند پس از چندی علامات بهبودی دختر ظاهر شد و رنگ زعفرانیش مبدل بارغوانی گردید و عارض کلکونش همچون غنچه گل که از اثر باد بهاری شکفتن نماید بشکفید و قد دل آرامش همچون سرو آزاد بخرامان در آمد پادشاه چون چشمش بخرامیدن آن سیمین بدن افتاد باب مسرت و انبساط بر اعیان درگاه کشوده (دیرتون دالتز) را حکم باحضار داد پس از ورود برخاسته سر و روی او را بوجه داد و خطاب فرزند باو کرد و فرمود بوعده خود وفا دارم و اینک حاضریم که دختر را برای تو تزویج نمایم (دیرتون دالتز) در جواب (نیال) پس از عرض شدگی سه روز مهلت خواست و مردم خیالی بدل داشت و ساعتی خود را از فکر فرو نمیگذاشت که دختر شاه (نیال) و پس از او ولیعهدی و طاقت سلطنت بالاستقلال عجب طالبیست فرخنده و از سعادت مالا مال چه شد آن افتقار گذشته و از کجا آمد این هنر حالیه آیا این خوش بختی که بمن روی کرده از خاک وطن عزیز من انگلستانم یا از نمر ورود این چند روز بهندوستان آیا من صاحب تاج و تخت سلطنت مردم خصم وطن و ابنای خود نمی شوم منحصراً میدایم و از سیاسی دواق خود و اقم انگلیس تشکیل شرکت هندیه فرمود و رفوة سیاسی و نفوذ خود بهمین وسیله افزوده من اگر این کار کنم مانع از پیشرفت خیالات دولت خود خواهم شد یا نه و اول باید باولی النعم دوم با ابنای وطن بخدمت ما افتخار و هنر من از مدارس انگلیس است که باو میبایم چگونه چشم از حقوق دولت و ملت خود ببوشم پادشاهی هندوستان و آن دختر زیبای خوش اندام او با آن چشم مستان هنرانی فدای یکمشت خاک وطن و يك نفر از ابنای وطن من باو چنین کار نخواهم کرد که همأ قریبه این خاک با برکت جزو مستملکت و متصرفات دولت من میگردد بعد از این انکار طلبیه در نزد پادشاه آمد و بمطابری



چنانچه مرخصی خواست با شاه چون او مقام شایسته  
و تجربه بی بهره و بی ربط بود نداشت او را با امانت  
خاصه اش بنواخت و مرخص نمود

این مطلب بزرگ در میان ناپلیانیان و هندوستانیان  
شهرت یافت چون به انگلیسان مکتوف افتاد همه  
بهمت و غیرت او آفرین گفتند و مورد ملاحظت  
و موهبت دولت و ملت انگلیس گردید - چه بر همه  
ظاهر بود اگر این مرد بسطنت هندوستان میرسد  
دست آید انگلیس از ننگ هند قطع میگردد - این است  
معنی وطن پرستی و ملت پرستی و دولت شناسی  
یعنی ننگ بحرام نبودن - و اینها همه نتیجه و ثمره علم  
است اگر بهترین ملت ما از راه وطن پرستی و خدمت  
بایستای نوع تأسیس مدارس فنون و مکاتب علوم از  
برای اطفال خودمان نمایند و این رباعین نورسته و  
کلهای تازه شکفته که در دیمه خداوندی و ثمره نوا  
و همت اند نگذارند بد بختانه در زیر دیوار جهالت  
و نادانی ما در عین غفلت و بی تریق زیست کنند  
و با این استعداد طبیعی و قابلیت جلی مثل آه خود  
آخر راه از چاه و ثواب از کلاه بدالسته و ما حاصل  
زندگانی را فهمیده که هر عاریتی که هر ساعتش  
غلیبت است (قم قاغتموا الفرصة بین العمدین) به بطالت  
طی کنند آنوقت حب وطن عزیز جلی آنها میگردد  
و از جان و دل مراعات حقوق وطن خواهند نمود  
(افسوس که ما بیخردان کور و کرانم)  
(یا ساخته یا آب و علف کار و خزانم)  
(یکباره زنیگ و بدخود بیخبرانم)  
(یا بیخبر از علم و ادب جانورانم)  
(کاین سالن بنود سالان بیدانش و بیچاره)  
(نای دارد)

قانون نامه جدید شرکت اعلامیه

(مطلب سابق)

(فصل پنجم)

در خصوص تعیین حسابات سالانه

§ ۲۷۶ - وضع حسابات در حال یکمرتبه از غرض  
حرم حسابات سلخ قیجه است که از غرض حرم  
شروع به تشخیص دوازده ماه گذشته میشود و در  
شهر ربیع الاول یا زودتر که کتابچه آن تمام شده باشد

ختم و حاتف و بعد از رسیدگی و تصدیق امضای عظام  
و امضای رئیس کل اعلامیه اسفهان که مر یک در  
دفتر خلاصه حساب اداره مرکزی منبرین میرماید  
عیناً سواد ساقی حساب را در ورقة مطبوعه اعلان  
و اعلام میدارند

§ (۲۳) شرکت اعلامیه در تصدیق حسابات اجناس  
موجوده را بدادله روز غرضه محرم الحرام که تقدیر  
وستد میشود قیمت نموده از رقم دفتر مال  
جدیاش ثبت میدیاند

§ (۲۴) مطالبات محتمل از راه الوصول  
را هم در دفتر لا و و سولی ثبت نمود و از جمع کل  
موضوع میدیاند

§ (۲۵) - حفظه مختار چونکه مذاق بهایان ببرد  
الوصول میگردد در خرج مال - برآید لهذا  
هر چه از الوصول یافت و وصول شود جز و منافع  
مال مال باید بآورد در رابع بسال گذشته نیست  
و تقسیم شرکائی بخورد که در آن سال سهام اعلامیه  
دارند هم از انتقال یا خرید بالاصاله

§ (۲۶) اسباب رجوع آفیس و مخلفات که داخل  
دا و ستد نیست جز ملزومات اداره است در هر  
سال ده یک از قیمت آنها بجهت کسر رانندگان موضوع  
نموده را در موجودی بجمع حساب بآورد  
§ (۲۷) در رسیدگی حسابات جرث ریکی عمل  
کر بکماله شرکت را در ورقة اعلان طبع نموده  
به صورت حساب مخصوص مختصری بجهت تمام شرکاء  
محترم دور و نزدیک فرستاد شود و اول صاحب  
یکسهم بوده باشد که عموماً شرکاء از راه وستا اعلامیه  
مستخضر و از مقدار سهم منافع خود مطلع باشند

§ (۲۸) تمام شرکاء محترم از رؤساء عظام و علمای  
اعلام و رجال نظام و امنای سوا الاحترام و حادین  
از خواص و هوام در قوانین و اعمال و تکالیف و  
شرایط از صاحب یکسهم الی دو هزار سهم مساوی و  
در حکم واحد آند و بموجب همین آفاننامه با هر یک  
درن الامتیار معمول خواهد شد

§ (۲۹) بجهت هر یک از شرکاء محترم که اعلان  
عمومی و صورت حساب مخصوص فرستاده میشود یک  
ورقة هم قبض مطبوعه که عدد اسامی و مقدار منافع

ایشان در آن ثبت شده با نمره مخصوص در لف بآکت میفرستند که بعد از ملاحظه حساب فقط همان قبض رسید را امضا و مهر نموده اسم مبارک خود را در محل مخصوص معین قبض نوشته بداره مرکزی و کالتخانه معتبره فرستاده منافع و عایدی خود را در یافت دارند •

§ (۳۰) هر يك از شرکای محترم از اصفهان خارج باشند بعد از تصفیه محاسبات سالیانه زودتر از زمان ورود چابار اول بهمان نقطه منتظر نخواهند ماند و رأساً بصحابت چابار سفارشی یا بتوسط وکالتخانه معتبره صورت محاسبات و اعلان عمومی و قبض چابی در بآکت مخصوص بایشان التماس خواهد رسید •

§ (۳۱) هر يك از شرکای محترم که عوض منافع خودشان مجدداً از سهام اسلامی طالب باشند در محرم الحرام و شهر صفر که مشغول تصفیه محاسبات هستند بمرکز اطلاع دهند که بقدر رسید ایشان سهم بنام مبارکشان نوشته با صورت حساب فرستاده شود •

§ (۳۲) اداره مرکزی اصفهان بعد از تعیین محاسبات تمام منافع و فواید سال گذشته را از دفتر داد و ستد تجاری خارج مینمایند و در صندوق صراف خانه خود امانت میگذارد که هر زمان قبض مخصوص مزبور را دادند بلا تأمل کار سازی دارد •

§ (۳۳) کسانی که عوض منافع از سهام اسلامی طالب باشند و در شهر محرم و صفر اطلاع دهند سهام ایشان از شهر ربیع الاول نوشته میشود که تمام مساوی باشند و هرگاه بعد از تصفیه محاسبات طالب شدند از تاریخ اطلاع اداره نوشته خواهد شد و در همان تاریخ منافع ایمان از صندوق صرافخانه دریافت و تحویل تجارتخانه خواهد شد که سهم شریک شده باشد •

§ (۳۴) شرکت اسلامی بهر نقطه صورت حساب مخصوص و اعلان عمومی و قبض رسید چابی بجهت شرفاء میفرستد ملاحظه جمع منافع ایشان هم بوکالتخانه خود که در آن محل یا نزدیک بآن باشد حواله میدهد که فوری منافع هر يك را کار سازی نموده قبض رسید را از ایشان مهور و محضی در یافت دارند •

§ (۳۵) اسکر در نقطه شریک داشته باشد و

وکالتخانه مخصوص بداره بآکت در این ورقه علم اخذ منافع را معین مینمایند که احدی از شرکاء دو مسکرتن منفعته خود منتظر و معطل نیسازند • (باقی دارد)

مقاله یکی از فضلاء نامدار

( شماره ۷ )

(قابل توجه ارباب حل و عقد دولت علیه ایران) § اما درین زمان حکام اسلام ضریق در طلبان جسمانی و نفسانی و شهوت پرستی و خیانت و ظلم و جور و قتل میباشند - کار بجای نمیده که مطالبان از ظلم و جور حکومت ایشان منتشر در عالم شده و با این همه حکم در خواهشهای نفسانی و هواهای جسمانی از طاقت کار قائل و از تدبیر حکومت عاری در هتک حرمت و هلاک یکدیگر نیز مشغول میباشند درین صورت هیچ شرفی بر دیگران نخواهند داشت اسم احکام حقیقی حکمت محمدی را ما بر خود نهاده ایم و اجاب رسم آرا برای خود گرفته اند قول بپذیر فعل مثل درخت بی ثمر میباشد و فعل من دون قول مثل عمل بی ربط میباشد -

عقیده نگارنده بر این است که ظلم حکام مسیحی زیاده تر و اعظم تر است از ظلم حکام اسلام چه ظلم ایمان بروح و باطن انسان برایت میکند - اگر درست ملاحظه شود چنان رعیت را مسخر خود نموده اند که همه را از حریت بیرون آورده بعبودیت قید نموده اند - و رعیت از خویش هیچ خبر ندارد چنانچه در مسیحیان اقوامی را دیده ام که به قوت یومیه محتاج بودند اگر دو روز کار نکنند روز سه هلاک خواهد شد و خلفای خانه شان پنج تومان قیمت ندارد - فرش خانهایشان تخت و فرش از علف و ظرفشان از چوبدان و خوراکیشان نان میاه و جامی تلخ - قزاقی جمیع فرنگستان چین و اقیانوس ایشان هم بکار رفت و قبیله اش هم عیب و اسیر میشوند در حقیقت دول اروپا و پایتختی که در مسیحی را می خود دارند که اسیراند چهل هزار هندی را یک انگلیس اسیر میکند بقوت یومیه و اگر سه روز آنها از قتل بیکار مانند هلاک میشوند حتی آب جاری در لوله ها جویس است - که هر وقت میخواهند آب دهند و هر وقت که میخواهند قطع کنند بقیده حریت طلبان اینها ظلم است که عدالت و انصافیت - در پاریس مشاهده شد

خدا از اتصال ظنرا روی بختا حکومت آوردند که  
تغراب کنند

کدام ظلم ازین بالا میشود که مردم از خود خبر  
ندارند مثل انسان مغرور که از اغوای شیطان خبر  
ندارد و مانند مردم جاهل که از ذل نفس خویش  
خفا اند

از این رو میتوان گفت ظلمیکه از بعض حکام اسلام  
صادر میشود سهل تر از ظلم دیگران میباشد چه ظلم  
حکام اسلام ظالم است و فی الحقیقه اهل صلاح و حکما  
و علماء در تدبیر میباشد که آظلم را دفع کنند که نه  
در ظالم و نه در باطن ظالم مسلمین واقع نشود و معنی  
انسانیت چنین است که ظالم و باطن ضعیف و قوی  
ظاهر باشد و الا ظالم خلاف باطن از عمل شیطان است  
و طاقت او خذلان

مسلم است دوام دولت و آبادی مملکت منوط به عدالت  
و سلطان حسن تدبیر وزراء و صدق خدمت امراء  
میباشد. و قالب شدن بر دشمنان و قایق آمدن بر  
همجواریان مربوط به حسن خدمت و اخلاص و صدق  
و اتفاق و فکر و تدبیر و حسن نیت وزراء و امر است  
و همچنین راحت رعیت و سعادت دنیا و آخرت ملت  
بطاعت سلطان است دعای رعیت از برای سلطان  
قلعه محکم و دعاء پادشاه عادل بر جمیع رعایا واجب است  
باید دعا کنند بدوام دولت و قای عزت پادشاه. و باید  
پاری کنند با دست و زبان و مال و نفس پادشاه را  
خصوصاً وقتیکه ملت و پادشاه ممدین و هم مذهب باشند  
ملت بی سلطان مانند زن بی شوهر در کار درمانده و مثل  
جسد بی روح کندیده است که همه خاق از او نفرت  
دارند و درندگان در ملک جسودی تصرف کنند ملت  
بی پادشاه از هم دین خود مثل یقین و ذلیلان در میان  
هم سایگان اشقیا میباشد. لکنیکه از هم دین خود  
پادشاه ندارد در ظالم مانند یهود میباشد. قافلان  
احوال یهود را به یتند و قدر نعمت سلطان خود را  
بدانند. با جرئت قسم یاد میکنم که برای رعیت  
خداوند ظالم لعنتی بزرگ تر از پادشاه هم ملت و  
مذهب العام فرموده است هر که کفران نعمت کند  
جزای آن جهنم دنیا و آخرت خواهد بود و در  
دنیا و آخرت ذلیل و حقیر شود لعمروالله من ذلک

- فکر نعمت سبب زیاد شدن نعمت و سرفرازی  
سبب زوال نعمت میباشد هر که مقامش بلندتر و  
منصبش اعلی تر نعمتش عظیم تر و شکرش واجب تر  
و تکلیفش صعب تر است مثل سدارت و وزارت و  
مأموریت هر کدام بقدر عهده و مرتبه خود باید  
خیر بر رعایای ضعیف برسانند و هر کس با اندازه خویش  
باید با سعی تمام و نیت خالص خدمت و طاعت سلطان  
خود نماید بخوف و تقوی - و در حق پادشاه شب  
و روز زیاده از آن که از برای خود دعا میکند دعا  
کند - زیرا که اگر سلطان بهزت و شوکت و قوت  
تائل کرده خیرش به صامه ناس میرسد - لکن اگر  
نفس خود را دعا کند - خیر او محدود و منحصر  
است این معنی در کتاب تذکره الذاکرن نوشته شده و  
در کتاب معراج السعاده ذکر آمده است از معرفت  
سلطان که خداوند ظالم سلطان را یکی از موازین بزرگ  
خود قرار داده است در میان خلق

و ایضاً نقل شده است که یکی از اهل ذوق بیان  
نمود اگر خداوند ظالم در تمام عمر بمن وعده نمودی  
که یکدای تو را مستجاب خواهم نمود هر آیت آن دعار  
در حق پادشاه میکنم - و ایضاً درین باب ادله عقل و  
قل بسیار ایراد شده چنانچه حضرت امام زین العابدین  
علیه السلام در حق پادشاه اسلام دعا نمود و آن در صحیفه  
سجاده میباشد دعاء اهل ثنور مشهور است و بعضی  
میگویند آن بزرگوار بساطان صالح دعا کرده و لکن  
من عرض میکنم که صالح حاجت بدعای دیگری ندارد  
و دیگر آنکه سلطان در هر حال و هر طریق که باشد  
باید رعیت برای او دعای خیر کند - اگر چنانچه  
سلطان اهل اسلام و هم مذهب و هم دین است البته  
دعایش واجب میباشد و اگر ظالم است دعا کنند که  
خداوند ظالم عادلش گرداند و اگر کافر است دعا باید  
کرد که خداوند هدایتش کند در هر حال دعایش بر  
رعیت واجب است

وزرا همه اوقات دعای خیر سلطان و دوام دولت  
پادشاه را از روی صدق و سقا و تقوی چه در ظالم  
و چه در باطن باید بخوانند و به مدح و ثنا در نظر خلق  
آز دوست و دشمن پادشاه را عظیم نمایند و هر که را  
ملاقات کنند و محل کلام ایشان باشد تحریر کنند

نوشته خدمت آن یک باز میدان الهام و الهام برای  
درج روزنامه مقدس جبل‌اللتین بنویسم لکن از چند  
وجوه تاکنون جبارت نکرمام

اول اینکه بنده هندی نژاد کج مع زبان را در  
بیدای پارسی فارسی کردن در میدان اشب کزان باد  
چما باد بیودن است. و یا در صف طالبان هم خودرا  
هم و نمودن. و این خیالم دانستگر بوده که جبل‌اللتین  
هر وقت الوتقای علما و فضلی روزگار و بازار جوامع  
نفسه معانی و بیان میباشد من بیضاعت هیچچندان  
را چه باره که حذف ریزه چند که بر ساحل بحر تعلیم و  
تحصیل بدست آورده و کالافی جزاین ندارم در مقابل این  
همه متاع کرانها و جوامع مثلاً آرم و خرمره  
یا باقوت و سنک سیاه خویش را زر سرخ تمام  
از الطاف زرگانه و مکارم کریمانه رجا آنکه نظر  
بر درستی عقیدت و راسخ ارادت کرده از اغلاط  
و اسقاء الفاضلی و معنوی اغراض نمایند

( کر قول اقتد زهی هنر و شرف )

( مقاله )

§ مسئله حادث و قدیم عقده ایست بس دقیق و  
کشف آن محال. در بیان آن زبان گذشتگان لال بوده.  
و السنة موجودگان بیقال طائر قلم محرران هر عصر و  
اوان درین هوا شهر شکسته و بازوی زور آوران  
کشور کشای اقالیم مناطق و دلیل بسته است

حدیث مطرب و می کو و راز دهر کتر جوی  
که کس نکشود و نکشاید بحکمت این معما را  
آنان که از علم هیئت بهره دارند میدانند که در  
سلك کائنات چه قدر کواکب و سیاره و اجرام  
فلکی منسک شده در تمجید و توصیف کبریا  
تسبیح تدویر میکنند

یکی دریا نه اورا بن پدید و نه کمران پیدا  
در او اندیشه حیران وهم سرگردان خرد پیدا  
صدفها اندر و ککون بگورها همه مشغون  
یکی زانها بود ککردون جوامع اختر رخشا  
که تعداد ایشان جز مهندس حقیقی کسی نمیداند و  
بر میان این عوالم مکونات نامحدود و نامعدود جرم ارض  
ذره ایست بیقدار یا قطره ایست در مقابل بحر تا پیدا  
کنار - پس انسان که در بیدای تپیدای کره زمین

بطاعت سلطان و مالم کردند خاق را از مخالفت  
سلطان و پادشاه را از ظلم برعیت باز دارند که خدمت  
صده و نجات دوات و ملت و طریق سروری دنیا  
و آخرت میباشد. خدمت ربانی اگر ناصح باشد بهتر  
از خدمت زور نادانی است ( باقی دارد )

قابل توجه ارباب فضل و حکم

§ مکتوب ذیل که مضمون بعنوان مسئله قدیم و  
حادث است یکی از فضلی معارف پژوه ( کپتان  
پهلوانانه ) که در قشون انگلیس سمت افسری دارد  
نکات - مقصود ما از اندواج این عنوان در روزنامه  
مقدس دو نکته است اول آنکه این مسئله اهمیتی  
بمخت و قایم و ... در حلقه مسائل مهمه میباشد  
که امروز روز جالب نظر دقت عامه طبعیهی گردیده  
هر کس بمذاق غریب یا مطابق اقوال بزرگان مذهب  
خود سعی کرده دلیل اقامه مینماید چون از روی مذهب  
مسئله قدیم و حادث کمال اهمیت را داراست خصوصاً در  
مذهب اسلام و بعضی که بعض قول فیصل داده عوام  
را مورت ترهنج اعتقاد گردیده لازم دانستیم که درین  
موضوع بحث نموده فضلی دانشمند اسلام را متوجه  
سازیم ولی این کس پوشش ... که در جواب مترضین  
ارائه نگاه مینماید نتواند بود بقیه است درین  
موضوع قلم فرسای باده عقلمه خواهند فرمود

دیگر آنکه ... هواداران لغت فارسی ظاهر داریم  
که فرزانگان در تعلیم این زبان شیرین چه قدر سعی  
نموده و تا بجه پایه ارتقا جست اند این خود دلیل  
است بر معروضات سابقه ما که اگر اعضای انجمن  
معارف و فضلا و دانشمندان ایران در اصلاح و رفع  
نقائص لغت فارسی بکوشند و طریق تعلیم را سهل  
فرمایند همان اهمیت را که زبان فرانسه در اروپا دارد  
زبان فارسی در آسیا حاصل خواهد نمود ترقی لغت  
اسباب صده عروج ملت و دولت است چون خود  
مکتوب مفصل بود زاده بر این طول سخن را روا  
نشمایم و تا کمال امتنان اظهار تشکر از دانشمند یگانه  
( کپتان پهلوانانه ) مینامم

مکتوب

§ مؤیدالاسلاما - بسیار بار اراده کردم که مقاله  
در باره تمدن و بلتیک یا معلومات و تحقیقات جدید

خفته پیش نسبت به نیرا که امروزه اوقالی گفته کون زاهد  
 کرده هوای اجزای شواهد مولفه گفته باری دز سر گیرد  
 (سکر مقلبی حدیث نو کم کلمی)  
 (راه سر سکتوری محکم کلمی)  
 (دل سوخته چند فرام ممکنی)

(بر گفته به سکرینی و ماتم حکمنی)  
 این از دیوانگی است یا فرزانی که طبقات لوز را  
 ضیماریم و می بیایم - میگویم که این طبقه از هل  
 حرارت ساخته شده است و این از فعل آب - موجودات  
 را در جلعات - نباتات - حیوانات - تقسیم کرده  
 انواع و اقسام و اجناس قرار میدهم - گاهی برای  
 تحقیق خفت هوا بالا میرویم و گاهی بجهت تدقیق نقل  
 زمین در قمر جاه مقیاس الحرارة - مقیاس الیوسه - بروده  
 خورد بین میوهیم - دورین مکمال و مقیاس بیقیاس  
 و کشیها و جهازها تلکراف بی سیم و با سیم - کالسکها  
 و آلات و ادوات از هر نوع ایجاد کرده گاهی برای کفتن  
 یکدیگر تفنگ و توپ اختراع میکنیم و وقتی ر منبر  
 ایستاده و عظم سلح قل نموده انسانی جلس را برادر  
 میخوانیم

خوبست کسی از ما نه برسد که ما برای چیست  
 که باد را می بیاید که وزشش چند مقال است - و در  
 يك دقیقه چند میل میرود - و قمر دریا و ارتفاع کوه  
 چند فرس و نقلش چند من است چرا مبلغ کزاف  
 صرف میسکنید و جانیهای عزیز را تلف میکنید و  
 میروید به بنید که قطب شمالی که يك نقطه موهوم  
 است کجاست - اگر این نوعی از دیوانگی نیست باید  
 بیان کرد چه چیز است

البته ایضا انسان است و دلیل بر علو هست او  
 که با وجود ضعف رای و تشاخص به دست در  
 دامن هست زده بر جناح افکار و اوهام پرواز میکند  
 و قلم بیسواری کنه ایجاد سکه نه زانی دلره و نه  
 دلیل میزند و تشبیه بر هررة الوتقالی هست خلود نموده  
 گرم و سرد و مسافت زمان و مکان را طی مسطرده  
 بعد سماوات را می بیاید و تجزیه تراکب اجرام فلکی  
 میکرده از اوزان و کیفیات و خواص اینسان خبر  
 میدهد الحق سبحانی آفرین است که يك مورخینک  
 به کنکره هیوق گفته از باخته بود از خالبر نو - حم سالک

مصداق که اندیشیده حاوی و رموز جزء و کل شده سینه  
 خود را خزینه اسرار ارضی و سماوی ساخته است -  
 کا قال الشاعر (جزو ضعیف بحرم اسرار کل قدرت)  
 من جهة دیوانگی تا آنکه ذکرش سبقت یات مسئله  
 کائنات است که مکونات حادث آید یا قدیم  
 برای حادث ابتدای زمان لازم یعنی اول عدم  
 بود بعد هست شدت - به عبارة اخرى این هست  
 از نیست موجود شده

از تحقیقات و تجارب حدیده این اسر مسلم التبتوت  
 است که هیچ شیئی از اشیاء را ما نمیتوانیم آید  
 و معدوم صرف نماند - تبدیل صور میشود یعنی چیزی  
 که ظاهراً و مرتب بود از فعل حرارت و غیره قاپ  
 و مستقر میشود معدوم مطلق نخواهد شد  
 گوشه وقت سوختن هست عمری خود را که  
 حشم ترینی و معتدل را ماد ثلاثه و تبدیل میکند و  
 در حجاب دود و بخاری محجوب و متواری میشود  
 لکن هست اجزای زغالی ، گاز ، و ایدالموس ، الذهب  
 او از تجارب کیمای ثبات است این قانون عالمگیر و حاوی  
 جزو کل است و حکم استقرای نامه دارد

ازین رو هیچ هست نیست نمیشود و اظهر من الشمس  
 و مسلم التبتوت است و عکس این هیچ نیست هم هست  
 نتواند شد بهما تا اخرى چنانچه هست نیست نمیشود  
 نیست هم هست نمیشود لازم و صحیح آید - وحدوث  
 مکونات ازین دلیل ناممکن معلوم میگردد - يك دلیل  
 دیگر هم هست

فرض میکنیم که مکونات حادث آید یعنی معلول  
 آید - درین صورت این معلول علی لازم دارد که  
 باعث حدوث آن معلول شده باشد

و در سلسله علت و معلول علت را تقدم زمان  
 بر معلول لازم آید - یعنی زمانی بود که علت بوده  
 و معلول نبوده باشد - لکن علت باید اول علت معلولی  
 شده باشد تا مقتضای علت بر آن درست آید پس ازین  
 دلیل تقدم علت بر معلول ممکن نیست چه لازم می آید  
 علت و معلول همسر و الاوقات باشند

دیگر اینکه اگر تقدم علت و تأخر معلول تصور شود  
 باید زمانی را در تصور آریم که کان بوده و نمکون  
 نبوده است - لکن درین زمان خالی از دو حالت نتوانیم

بود - اول مثل میوه نارس و ناپخت و خام که به مرور  
 مهور رسیده و تکمیل حاصل کرده ابراز و اظهار  
 مکنونات را نموده است  
 یا محتاج اطمان فعل یا ترکیب شیتی دیگر بود که بدین  
 افعال قوه فعل و تکوین نداشت  
 در هر دو صورت تناقص علت کائن لازم آید و  
 معلول قیض که نقص عدم علت داشته باشد از علت  
 ناقص بهتر است  
 نتیجه این سفری و کبری آن میبود که اثر کائنات  
 حادث نیستند البته قدیم اند

فرضنا که سکائات قدیم اند - آیا همین قسم از  
 قرون عظیمه اختلاف صور و کیفیات - و امتیاز شر  
 و خیر و حسن و قبح و اوج و حضیض که ما می بینیم  
 در آنها بوده است - یا مثل نیرنگ و شعبدهای زیری  
 و خوش الحانی و بوقلمونی الوان که در بال و پرسیان  
 دیده میشوند تصور باید کرد - و یا این همه زنگارهای  
 غیر محذوف ازهار و اوراق و اقصان اشجار -  
 و قناد فواکه و انبار و مواد کلات و فضائل که کابن  
 نظم و نثر از حضارت و انصارت بخشیده نسیم شمائش  
 عالم را معطر و منبر میکند در یک دانه تخم و یک قطره  
 می منجمد و مستقر تصور باید کرد ؟

حکا گفته اند که ترکیب ابتدائی کائنات از چهار  
 ارکان شده و به باعث تباین امرجه مورت اختلاف  
 و کیفیات و خواص و صور و هیات مختلفه شده است -  
 و ما هماره مصابحه و مشاهده میکنیم که تغییر و تبدل  
 و ترقی و تنزل و تذکر و تقصیر و تأخر و تأثیر خاصه  
 اثباتی است که از تبدل آب و هوا و مکان و تمدیه  
 و حرکت و سکون نه صرف تبدل طادات و اطوار نموده  
 بل تبدل در هیئت و جنسیت و نوعیت هم میبود  
 از روی عمل از یک نوع اصب و سک چندین اقسام  
 اصب و سک پیدا کرده اند

از همین قبیل قیاس میتوان کرد که در قرنهای  
 دراز اجناس و اقسام موالید ثلاثه - الوف از مات  
 و مات از عشرات و عشرات از آحاد و آحاد از  
 واحد شیوع و تقسیم یافته است

این حالت مفرد و موحده کائنات را ماده الابداء  
 میگویند - یعنی مکنونات در حالت بخاری مرکب از

ماده الابداء و حرارتی که مشتمل بوده بر قوه  
 ( الکتریک ) - یعنی حرارت مقتضایس و غیره و تمام  
 هرصه امکان ازین بخار مملو و محشون بوده است  
 چون باقضای زمان حرارت منتشر شد این ماده  
 از حالت بخاری متدرجاً حالت سیال و عقیف اختیار  
 کرد و رفته رفته توده های عقیف جایجا منجمد شده  
 دانه لظلم شمسی و کواکب نوابت و سیاره کشیده  
 شد و از همین انتشار و اخراج حرارت قوه متضاده  
 دفع و جنب و تخیل و تکلف پیدا شد که فعل  
 و افعال این دو قوه مورت اختلافات و امتیازات که  
 در قرنهای دراز مایه حیرانگی و دیوانگی حکما و  
 دانشمندان شده بوده است واقع اعلم ( باقی دارد )  
 حرره ( کتان پهلوانها )

انجمن مرضوی

اینک بیست سال است که باقدامات مجدانه جناب  
 مستطاب آقا شیخ محمود کیلانی شمس العلماء و مرحوم  
 میرزا محمد بصراوی متخلص بنات انجمن بعنوان فوق  
 در کنگره انعقاد یافت ( مقاصد انجمن بموجب ذیل است )

- (۱) بهبودی و رفاه حال عامه اسلامیان
  - (۲) اطمان ارام و ایتم و فقرا و مساکین شیعه
  - (۳) تجهیز و تکفین اموات فقرا و لاوارث
  - (۴) تعلیم اطفال و تربیت ایتم فقرا
  - (۵) استحکام اتحاد و قوام و داد بین شیعه و سنی
- علت فانی انعقاد این انجمن همانا حفظ اموات  
 لاوارث فقرا شیعه از تشریح و غیره بوده است - چون  
 زمان سابق مرضای لاوارث فقرا شیعه سکه برای  
 علاج در دارالشفارفته و اجل شان رسیده بدرود  
 زندانی میسکفتند بموجب دستور اجساد آنها را  
 تشریح نموده سپس بوضع بسیار اسف ناکیک ذکرش  
 بسیار سکه امتیز است چند نفر از قوم ( دوم )  
 آن اجساد مقبره سکه مطهره را بمقام معینی برده  
 می سوزند ( دوم ) هست ترین فرق و اقوام هنوز  
 است که باین اشغال رفیه و امثال آن اداره مصانی  
 خود مینمایند

این امر بر غیره مندان شیعه ناگوار او قناده بنام  
 این انجمن را نهادند - جناب شمس العلماء زیدفنده که  
 امروزه سمت ریاست علمای این صوب را دارند و



در غیرت دین و ملت خواهی یکتا و بی همتا میباشند  
 صدارت این انجمن را بر ذمه همت خود گرفته مرحوم  
 میرزا محمد بصراوی که یکی از جوانان غیور ایرانیه  
 کلکته بود (سکرتری - مهتم) قرار یافت - چنانچه  
 طاعت یا اصول کلیه اسلامیان است در بدو هر امر  
 باندازه اظهار کرمجوشی مینمایند مگر در اندک زمان  
 حرارت هیروزه شان صرف شده سپس شروع بسردی  
 و کفالت می نمود اعضای این انجمن نیز بدین اصول  
 کلیه عمل نموده هر قدر در سنوات اولیه در رونق و  
 پیشرفت مقاصد این انجمن کوشیدند تا قیامت در خرابی  
 اوسی کردند حتی اینکه بوساطت جناب شمس العلماء  
 (لاردر دفترن) متوفی فرمانفرمای سابق هند حکم بموم  
 شفاخانه ها صادر نمود که هر يك از مرضای شبه فوت  
 شوند داکتران امر به تشریح آن در حکم اموات  
 لاوارث نمایند و لازم است از شفاخانه ها به انجمن  
 مزبور اطلاع داده اموات شبه را تسلیم آنان نمایند  
 چنانچه شفاخانه ها نیز بدین حکم عمل نموده هر میت شبهه  
 که فوت میشد به انجمن اطلاع میدادند  
 پس از چندی که جناب شمس العلماء سستی و  
 رخاوت اعضای انجمن را ملاحظه فرموده از صدارت  
 کناره کشید مرحوم میرزا محمد بصراوی نیز کوشه  
 گرفته روزی از رونق انجمن و کارروائی آن کاسته  
 تا کار بجائی کشید که چندی انجمن عمومی در  
 حکم معاملات شخصی قرار یافت  
 مجدداً جماعت از جوانان غیور ایران که خدایشان  
 جزای خیر دهد دامن همت بر گرزده آب رفته را  
 بجوی انداخته در ترقی انجمن و پیش رفت مقاصد آن  
 لازمه سعی و اقدام را مینمایند - امیدواریم این جوانان  
 غیور ملت خواه ترك آن اصول کلیه مزبوره را تفته  
 روز بروز بر جوشش و گرمی خود در پیشرفت  
 مقاصد این انجمن بیفزایند  
 از رویداد جدید سنه (۱۳۱۹) هجری که اداره  
 رسیده چنان مستفاد میشود که يك هزار چهل و  
 شش روپیه و دوازده آنه و سه بای دخل انجمن -  
 و ششصد و هفتاد و سه روپیه و پنج آنه شش بای  
 خرج و سیصد و شصت و هفت روپیه و شش آنه و  
 نه بای در صندوق انجمن ذخیره نگاهداشته اند

مصارف سالانه انجمن بقرار قبیل بوده -  
 مواجب قیام انجمن یکصد و چهل و چهار روپیه -  
 تجهیزات و تکفین دوازده نفر از فقراى شیمه نمود  
 و نه روپیه و پانزده آنه و نه بای -  
 صرف مجالس روضه خوانی که هر جمعه اول هر  
 ماه میشود چهل و دو روپیه و يك آنه و نه بای -  
 اطعمه و دستگیری فقراء و بیوه زنان و ابناء  
 سیل هفتاد و نه روپیه و چهار ده آنه و شش بای -  
 مصارف عمومی دخترک یتیمه نواسی و هو  
 روپیه و پنج آنه -  
 اخراجات لازمه انجمن از خرید صندوق و مرمت  
 کابوت و طبع رویداد سالانه و غیره بیست و يك  
 روپیه و هشت آنه و شش بای -  
 آنچه بزمه اعزای انجمن ارسال گذشته باقی  
 مانده یکصد و بیجا و سه روپیه و هشت آنه -  
 در وجه مشاعره چهار نفر زنان بیوه داده شده  
 يك صد و شش روپیه -  
 چون بدقت ملاحظه کلیم کارروائی سنه ماضیه  
 اعضای انجمن همه موافق قاعده و مورث ترقیات آینده  
 آن تواند شد - چنانچه در هر صده يك سال و اندی بجهت  
 تفرشگاه انجمن را زمام نموده اند پرواضح است انجمن -  
 کلب - مدرسه - و - و - و - و - تا وقتیکه ذخیره کامل  
 بجهت مصارف ضروریه فوق العاده که وارد شود نداشته  
 باشد دوام و قوام و استحکامش را خالی از خلل نتوان  
 گفت بهترین نکته را که مادر جمیع اعضای حالیه این  
 انجمن تصور کرده ذکر می نمایم ده امر است اول  
 نگاهداشتن ذخیره و ثانی اقدام بحداثة ایشان در  
 ازدیاد شرکا و اضافه دخل انجمن میباشد  
 در مدت قلیله کارروائی اعضای حالیه این انجمن  
 باندازه ترقی کرده که جمعی از رؤسای پیشی - پته -  
 مدراس - رنکون - و غیره شرکت در این انجمن نموده  
 اند امیدواریم که زابداً علی ماسبق جناب آقا سید صدرالدین  
 شیرازی سکرتری (مهتم) و جناب آقا محمد کاظم  
 شیرازی نائب سکرتری و سایر اعضای انتظامیه انجمن  
 مساعی جلیله خود را در ترقی این انجمن خیریه که  
 میتواند يك زمانی مورث حیات ملتی گردد دریغ ندارند  
 حتی این است که مقاصد انجمن بسیار بلند و

طالی و مداخلت بسیار است و کم است - الشیاقه طبرین و معتدین و متمولین شیعه بنوی اقدام خواهند فرود که اعضای انجمن در پیشرفت مقاصد طبریة خود بتوانند اقدامات مجداته نمود

◀ اخبارات خارجه ▶

§ تا سیزدهم محرم الحرام ( ۱۳۷۰ ) فروش صاع بدفتر راه آهن حجاز و جوه اطنه از خارجه و داخله رسیده است

§ سلطان مراکو و حاکم آن در خود را بمصرف فروش وسائیده کویا بخیمال تجدید قوه بحری است ولی بواسطه خرابی اداره مایه امسی را عقیده براین است که دولت مراکو را مقدرت در تجدید قوه بحری نیست § روز جشن تاحکذاری اعلی حضرت ( ادورد هفتم ) قشونیکه برای شکوه این جشن حاضر رقاب خواهند بود بموجب ذیل است

- |                 |       |
|-----------------|-------|
| قشون بحری       | ۶۰۰۰  |
| افواج پیاده بری | ۳۰۰۰۰ |
| قشون سواره      | ۵۰۰۰  |
- در توپخانه کامل بحری  
پانزده توپخانه کامل میدانی

§ دولت ژاپون در وضع بازارهای خود کویا سرمشق از زارهای غالب بلاد ایران کمر گرفته هر بازاریرا بخیرید و فروش امنه مخصوص خاص نموده و در این باب بر عکس ایران انتظامات شایسته کرده است

§ دولت علیة عثمانی برای حفاظت نفوس رطایب خود در ب مذاخ قانونی وضع نموده که هر حکماء قصاصان کوسفند عالی را ذبح نمایند و به ثبوت عدالت رسد مجرم قرار یافته سزا یابد

§ افواه است که مسلمانان روس ساعیند که در دارالعلومهای اسلامی تحصیل زبان عربی را از لوازم تسلیم قرار دهند

§ بتسازی انتحاف معدن زغال عمده در خاک عثمانی شده معدن شان از خیلی مفید محال دولت علیه می شمارند § مسلمانان سنکپور تا کنون ( ۵۴۱۵ ) ریال جمع آوری نموده بدفتر اطانه راه آهن حجاز فرستاده اند § مسلمانان ( ۱۱ ) تا کنون يك میلیون سیصد و

هفتاد هزار هفتصد سی و شش خیروش وسی پاره در اطانه راه آهن حجاز بذل همت نموده اند

§ لهای ( دیاریکر ) پنج هزار و ششصد و شش خیروش صاع در دفتر اطانه راه آهن ارسال داشته اند

§ از روی نفوس : : : : : :  
آهن قونی و بقه : : : : : :  
دوازده میلیون پان : : : : : :  
مصارف سالانه آر : : : : : :  
بقیاس آمده ازین - : : : : : :  
هزار لیره منافع کیاو : : : : : :

▶ ▶ ▶

§ حکومت هند مهات ( بنا ) در مقام راجه مهاراجه جدید پیش از این نکرده است

§ در کانپور علاوه بر کانی را طی خیل شیوع دارد

▶ کلکتہ ▶

§ هوای کلکتہ موافق فصل است و موسم باران نیز فرا رسیده اگر چه از آغاز محرم امسال شروع به باریدن باران شده ولی ابتدای باران موسمی از یازدهم همین ماه است مرض طاعون نیز همه روزه تخفیف می یابد

§ از یوم بیستم شهر صفر المظفر در دولت سرای جناب مستطاب آقا شیخ محمود کیلانی خمس العلماء سلمه الله تعالی اقامه مجلس هنرا شده و تا آخر صفر بریاست § پرروز از حسنیة نوابه عالیه مرهائیس تاج الهند بیکم مرشد آباد که واقع در متیارج است بتوسط خان بهاسد حاج مولوی میرزا شجاعت علی بیک علم بیرون آمده خیلی بارونق و شکوه و وضع آن مانند علم ایرانیان بود غالب بزرگان و همایدر علم شرکت داشتند و انتظام پلیس و غیره نیز خوب بود

§ مرهائیس نوابه عالیه بیکم مرشد آباد دو ورقه تنبیت نامه یکی بصحة تام بیکیات اسلامی هند و دیگری بصحة عموم عورات بسکال مرتب فرموده بتوسط حکومت هند بدربار پادشاه انگلستان گسیلی نمودند مختصر شرح آرا در شمارهای آتیه خواهیم نکاشت

<p>﴿ قیمت اشتراك ﴾ ( سالیانه — شش ماهه )</p>	<p>﴿ روزنامه مقدس ﴾ ( سنه ۱۳۱۱ )</p>	<p>﴿ اداره جلالالتین ﴾ ( میرزاپور استریت نمبر ۲۵ )</p>
<p>﴿ هند — و برمه ﴾ ( ۱۲ روپه — ۷ روپه )</p>	<p>قبل از دریافت نمودن فیض مخصوصه اداره هیچ يك از خریداران نباید قیمت احوار را باحدی تسلیم نمایند</p>	<p>﴿ کلیه امور اداره ﴾ ( مدیر کل مؤید الاسلام است )</p>
<p>﴿ ایران — افغانستان ﴾ ( ۴۰ قران — ۲۵ قران )</p>		<p>﴿ منیجر اداره ﴾ ( آقا محمد جواد شیرازی است )</p>
<p>﴿ عثمانی — و مصر ﴾ ( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )</p>	<p>ذمه دار صحت و سقم اعلاناتیکه در اخبار داده میشود همان کسانی میباشند که اعلان داده اند</p>	<p>﴿ هر دوشنبه طبع ﴾ ( و سه شنبه توزیع میشود )</p>
<p>﴿ اروپا — و چین ﴾ ( ۲۵ فرنک — ۱۵ فرنک )</p>	<p>اجزای اداره ذمه دار صحت و سقم عنواناتی هستند که از طرف خود مبتکارند نه ما این وقایع نگاران و صاحبان مکاتب و مقولات یا ترجمه از سایر جراید</p>	<p>﴿ بتاریخ دوشنبه ﴾ ( ربيع الاول ۱۳۲۰ هجری )</p>
<p>﴿ روسیه و ترکستان ﴾ ( ۱۰ منات — ۶ منات )</p>		<p>﴿ مصادف با ﴾ ( ۱۶ - جون (۱۹۰۲) میلادی )</p>

( در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود )  
( مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

﴿ فهرست مندرجات ﴾

﴿ تکرافات ﴾ شرح اجرت طبع کتب • نرخنامه •  
حسابلوا • قانون نامه شرکت اسلامی • منقول از  
روزنامه ادب • ادب • مدرسه کمال در تبریز • افغانستان •  
منقول از روزنامه شریفه اطلاع • ایضاً • مصر •  
بران • دنامهک • سوانح عمری حاجی زبیر المابدین آقا  
تقی یوف • آثار عتیقه در خاک یک ایران • مقوله  
یکی از فضیلتی نامدار • مکتوب انزلی • مکتوب  
وطن پرست ایرانی • اعلان • شمه از حالات تاریخی  
مسلمانان چین • منقول از روزنامه ایران • باقیات  
صالحات • دستکاری هندوستان • مجسمه و کتوریا ملکه  
انگلیز • دربار دهلی • آثار اولاد • عده قحط زدگان  
هندوستان • راهای آهن هندوستان • طمان لندن  
• دربار • اخبارات تالکرفی • تالکری قاتل • اخبارات  
داخله • کاکته • بلوک کردی فرمانفرمای هند •

﴿ تکرافات ﴾

( ۴ - جون )

﴿ مسترشاک بر کر ﴾ (مستر بوتها) در خط مخصوص خود  
به تمام باغیان نوشته که لازم است برای ترقی ملک اطاعت  
حکومت جدید را نموده غیر او را از دل و جان خواهان باشند  
﴿ جنرل بروس هملتن ﴾ در شرقی و (جنرل والتر  
کنچر) در غربی ترالسوال و (جنرل الیت) در آرنج  
بجهت جمع اسلحه و نگرانی مقرر شده اند

﴿ پیغامی که اعیان حضرت ( ادورد هفتم ) به پارلمان  
فرستاده اند این بوده که بلا حفظ خدمات (لارده کنچر)  
۵۰ هزار لیره عطیه بنام او منظور نمایند  
﴿ کاندت فوشی ﴾ خود را تسلیم و اطاعت دولت  
انگلیس را قبول نموده است  
﴿ از تکرافات وارده ظامری می شود که میانه بوژان  
و سرداران انگلیس روابط مشفقانه نمایان است  
( پنجم جون )

﴿ در مجاس خیابانی که دیروز ( لارده میر ) کلانتر  
شهر لندن از قضای عدالت المالیه دولت انگلیس نموده  
بود ( بادم ) و ( ککین ) و ( کلارک ) و ( رام یقی ) و ( چنده  
وارکر ) و ( کریستکن ) از قضای هندوستان نیرمده بودند  
﴿ ( کاندت فوک ) که یکی از سرداران بنی ( کپی  
کلونی ) میباشد خود را تسلیم قشون انگلیس نموده است  
﴿ ( سینتر کوسلبر ) وزیر داخله دولت جمهوری فرانسه  
تشکیل هیئت وزارت تازه فرانسه را نموده است  
( ششم جون )

﴿ مخبر ( روتر ) از ( پریستوریا ) خبر میدهد که دستهای  
قشون ساخلوریا حکم شده که بجای خود برقرار مانند  
تا امر تسلیم بوژان اختتام پذیرد - مخبر موصوف  
چنین تصور مینماید که موافقت و اتحاد بوژ با انگلیس

مستدام خواهد ماند - اجزای دارالشورای ملی بوئرینی  
اعضای (رند) شرایط صلح و اختصاصات را پسندیده  
و میگویند دولت انگلیس باضاف عمل نموده است  
§ سفیر فوق العاده دولت (کرویا) برای شرکت در  
جشن تاجگذاری پادشاه انگلستان وارد (انگلد)  
شده است

§ (ام لوبت) رئیس جمهوری دولت فرانسه (کوت  
ما. بوکا) سفیر ژاپون را ملاقات نموده است  
§ اداره جنکی دولت انگلیس شرح تفصیلات جنک  
افریقای جنوبی را بموجب ذیل بیان نموده و اعلان  
داده است (۱۰۷۲) افسر و (۲۰۸۷۰) لشکریان از  
جبهات مختلفه بهلاکت رسیده اند و (۳۱۱۶) افسر و  
(۷۲۴۱۴) لشکری بواسطه خستگی و مرض و جراحت  
غیره بولایت فرستاده شده و اغلبشان تحت یافه  
عودت نموده اند

( هفتم - جون )

§ (لارڈ کنچر) خبر میدهد که عمل تسلیم شدن  
بوئران رو به ترقی است - در (مدلرک) ۴۴۰  
نفر اسلحه جنک و یک عمده توپ (بم بم) تسلیم  
نموده - و جایکه یک عمده توپ (هویطذر) و یک  
توپ (مکسیم) پنهان بود نشان داده اند - و (۲۸۰)  
در (استدرتن) با اسلحه جنک خودهارا تسلیم  
کرده و (۲۵۵) نفر که من جمله (۲۱۹) نفر آنها باغیان  
بوده اند در (کردارک) تسلیم شده اند

§ (ام - کومبر) وزیر داخله دولت جمهوری فرانسه  
هیئت وزراء فرانس را بدین قرار منتخب نموده است  
(ام - دلکاسی) وزیر خارجه - (ام - رو ویر)  
وزیر مالیه - (جنرل اندر) وزیر جنک - (ام  
یلتن) وزیر بحری - (ام - دومکو) وزیر مسنمرات  
و خود مشارالیه وزیر داخله قرار یافته است

( هشتم - جون )

§ انگلیس دوکانه شکرانه صلح را در تمام قلم رو  
انگلستان بجای آورده اند -

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) بمعبیت زوجة محترمة شان  
بر کالسکه احتشام نشسته بکلیسای موسوم به (سنت  
پال) رفته و جمیع شاهزادگان قبل از وقت موجود و  
ملغز قدم شاهانه بودند - قسیان و مغنیان کلیسا بر

دروازه بزرگ اعلیحضرت را استقبال نموده متفقاً بنای  
سرود را نهاده داخل کلیسا شده دوکوسی یکی برای  
اعلی حضرت پادشاه و دیگری برای زوجة محترمة  
شان نهاده بودند جمیع اسراء و بزرگان شرف حضور  
داشتند - کشیش دعای شکرانه انجام صلح را که در  
مربابش تذکره از فواید صلح بود ادا نموده - بعد  
از آن مغنیان (ئی دیم) که مناجات منظومه است  
خوانده هر یک رخصت انصراف یافتند حین مراجعت  
اهالی در تمام راه اعلیحضرت پادشاه و زوجة محترمة شان  
را تهیبت صلح میکردند

§ جزای حکومت (ترانسوال) با بیاہ نفر  
مستحفظان رگابی خودرا تسلیم نمودند

§ امر تسلیم شدن بوئران در همه جا با اطمینان ترقی  
می نماید - بوئرها بعد از آنکه تفنگهای خودرا تسلیم  
می نمایند نام و نشان و سکونت خودها را نوشته اجازه  
می یابند که اسبهای خودرا نگاه دارند - هر جماعتی  
که تسلیم میشوند اعلیحضرت پادشاه انگلستانرا با آواز  
بلند تبریک گفته عهد نموده اند که خیرخواهانه اطاعت  
نمایند - اتحاد فوق تصوری بین بوئران و انگلیسیان  
مشاهده میشود - و در فکر آنکه که چشم از امور  
گذشته به پوشند و در تعمیر ملک سامی و جاهد باشند  
(نهم - جون)

§ مخبر (رزرا) از (ری توربا) خبر میدهد که عدده  
تسلیم شدگان بوئر به (۴۵۵۲) رسیده

§ خطابه پذیرائی و خیر مقدمی که از طرف (دبوك آف  
کسبات) برای نمایندگان - استعداد داده میشود بده زبان  
ترجه نموده در (الدرنا رپارک) در مشرق قشون خوانده شد  
§ هیئت سفارت فوق العاده دوان چین (مسترچین)  
به (قراک مور) رفته تاج کلی بر قبر ملکه متوفاه  
نهاده است -

§ (سینار برینتی) وزیر خارجه دولت ایتالی  
بسبب مخالفتی که در دارالشورای ملی از (دیپوتی فرنجتو)  
حاصل نموده مستعد جنک (دول) شده با شمشیر  
مشارالیه را مجروح نموده است

§ (لارڈ کنچر) خبر میدهد که از روز شنبه الی  
دیروز اسلحه جنکیکه بوئرها تسلیم نموده اند (۲۵۰۰)  
تفنگ بوده و (۴۴۸) تفنگ هم باغیان کسب تسلیم

نموده‌اند و بقایای قشون اردوی (جنرال دیوت) نیز تسلیم شدند. پوژانیکه تسلیم اسلحه نموده‌اند اعلیحضرت پادشاه را با آواز بلند تبریک گفته‌اند

§ شاهزاده ولیمهد دولت انگلیس - فرای فوق‌العاده را که برای شرکت در جشن تاجگذاری آمده‌اند در یست و بجم شهر جاری ضیافت شاهانه خواهند نمود  
§ دسته از قشون (سیلان) که بجهت شرکت در مشق جشن تاجگذاری وارد لندن شده همه قوی و تندرست و با همگی چنان رفتار میشود که افسران قشون بداد و احساس نمایند که مهربان اعلیحضرت شاه میباشدند  
(دم - جون)

§ در جهاز جنگی ژاپون (سانه) و (تکاسکو) برای شرکت در نمایش بزرگ - بهارات جنگی دولت انگلیس جشن تاجگذاری وارد بندر (دون) که از بندرهای دولت انگلیس است شده‌اند

§ افواهاست که (رامپت مکاتله) به داری قشون جزیره (سیلان) انتخاب شده و مشارالیه را به (بریکدر جنرال) برقی در این عساکه (بجبر جنرال) دارد

§ اماان حریره (کرید) آشفته خاطر اند چه چهار نفر از ایشان را عیسوان بومی در ساحل (اسفایند) بقتل رسانیده - سامانان جزیره مذکوره بدفترای چهار دول مرض تنظیم نموده - شاهزاده (جارج) حاکم برقی جزیره (کرید) اشتها ناهای برای اسکات اهالی جزیره مزبوره نشیر - دار است -

§ حریق سختی در یکی از کاکین سیمان (لور) وکتور) که واقع در شهر لندن است بوقوع رسیده باعث اتلاف هشت دختر و دو پسر شده و پانزده دختر بسبب برتاب کردن خود را از درجه بجم هماره صدمه سخت داشته‌اند نردانی را که برای فرود آمدن آنها آورده بودند کوتاه بوده‌است

§ اعلیحضرت پادشا انگلستان نشانهای تازه که برای جنگ مشرق و مغرب و مغربی آفریقا ساخته ملاحظه نموده بسند فرموده‌اند -

§ (لارده استانی) در دارالشورای ملی بیان نموده که بجهت (۱۸۹۸) سپاهیانیکه از جراحات جنگ افریقای جنوبی اطبا ناقصان قرار داده وظیفه مقرر

شده است

§ (دیوک آف کنانت) در ضیافتی که به سرداران فوج - سواره (بکال ان-مر) داده شده بود صدر مجلس قرار یافته و (دیوک آف کم بریج) و مهابراجکان (سندھ از) و (برتاب سنکه) و (کوچ مهار) نیز شرکت داشتند

(یازدهم - جون)

§ قانون تازه در ترانسوال جاری شده که مطابق آن فی صدی ده از منافع صافی معدنهای ترانسوال حکومت انگلیس اخذ خواهد نمود

§ دسته از قشون (کلیدا) برای شرکت در مشق جشن تاجگذاری پادشاه انگلستان وارد لندن شده‌اند  
§ و امهد دولت (سیلان) وارد (باز - بدن) کرده  
§ جنرال (نیل تن) سردار قشون (نیل) بمسقطه سپهسالاری قشون آفریقای جنوبی در مقام (لارده کینچر) مقرر گردید و سرداری قشون (نیل) (کرنیل قدر استون‌ها) واگذا شده است - جنرال (نیل) را قبل از آنکه به عساکه خود مقرر شود روانه (ترانسوال) کردید

§ دورتانه (طمس) میزبند که حرکت جنرال (نیل) را با بجم (ترانسوال) باعث افتخار انتظام و توفیق مراحمه (لارده کینچر) انگلستان نتوان تصور نمود

§ (کنده کپ) سردار معروف اردوی (جنرال دایری) این سفر خود را تمام کرده و انگلیس نموده اظهار رضایت باطاعت دولت انگلیس کرده‌اند  
§ (کرنیل لنج - ام - پی) که نابوژان شرکت نموده وارد انگلستان شد به مجرد ورود مشارالیه را در (هنوهیون) گرفتار کرده و بعد از آن در عدالت (بوساریت) بجرم غدر و بغاوت ملزم شده - و ده استخلاص وی ضمانت هم قبول نموده‌اند -

§ (لارده رارت) و (مستر دادابهی نوروزجی) و سر (منچرجی به- و نگری) با چند نفر عهده داران هندوستانی در دعوت پذیرانی که طایفه فرزندتبان برای احترام (سر جشید جیجی بهانی) نموده حضور داشتند (سر جشیدجی) اذنی که در جواب خطابه خیر مقدم داده گفتگو را بر این مسئله بطول

و ( سرجهیدی جیبی پائی ) و ( مائک آن کنک ) را برای تماشای مدرسه ( ونچستر کالج ) دعوت نمود - حملجات مدرسه ایشانرا پذیرائی نمودند - سپس در باغیکه طعام مهیا نموده بودند حضرات موصوفه برای صرف طعام تعریف بردند

§ ( پرنس کاتسو ) شاهزاده ( کوریا ) وارد لندن شده ( بارون هیاشی ) سفیر دولت ژاپون و مأمورین دولت انگلیس اورا پذیرائی نموده سوار کالسکه شاهی شده بمهمانخانه ( کلاریج هتل ) که قیامگاه ایشان مقرر شده بود منزل نمودند

( سیزدهم جون )

§ ( مستر برادریک ) دردارالعورای ملی اعظم داشته که دولت انگلیس بهتر میداند که تفتیش واقعات جنگ افریقای جنوبی را به تشکیل کیسیون شاهی قرار دهد - بارة از تحقیقات را هم مخفی خواهند گذارد

( چهاردهم جون )

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان ( سر یرتاب سنگه ) و مهاراجه ( مادهوسنگه ) و دیگر امرای هندوستان را بار حضور داده اعلیحضرت پادشاه ( سر یرتاب سنگه ) را نشان ( کی - سی - پی ) و نشان جنگ چین عطا نمودند

§ اعلیحضرت ( ادوردهفتم ) سفیر فوق العاده دولت ( کوریا - پرنس کاتسو ) و همراهانش را بار حضور دادند - ( پرنس کاتسو ) لغان ( کرای سن تیمم ) و نشان شاهی ( کوریا ) را بطریق هدیه پیشکش پادشاه نمود § ( مستر کلبوت جانسن ) یکی از قضات عدالت العالیه کلاسکه معین گردید

§ روزنامه ( طمس ) مینویسد که رعایت دولت انگلیس درباره خساره لشکرکشی چین مطابق تفرق قیمت نقره مورث مزید اعتماد چینیان نسبت باعتبار دولت انگلیس خواهد گردید - چینیان سلوک دولتمند انگلیس و امریکا را با دولتهائیکه خودرا دوست چین ظاهر میدارند موازنه خواهد نمود - دولت انگلیس رضا دارد که ساختن راه آهن احاطه دیوار اعظم چین را بخود چینیان واگذار کند مشروط براینکه دولت روس را از تصرف نمودن آن راههای آهن مزاحمت نیابد

ساخت که جماعت پارسیان کمال امتنان را از دولت انگلیس دارند -

§ دسته های قشون جریره ( سیلان ) و ( استرت ) و ( نیاسا ) و ( سومالی ) که برای شرکت در مسق جفن تاجگذاری وارد انگلستان شده در ( الکسندر پارک ) در عمارات عالی با اسباب آسایش منزل داده اند § ( مستر ریثودلکر ) که از طرف اهالی جزیره ( سیلان ) برای شرکت در جشن تاجگذاری پادشاه انگلستان آمده با شاهزاده ولیعهد ( پرنس آف ویلز ) و زوجه محترمشان صرف نهار نمود

§ ( مستر لی مشوریار ) بواسطه هجویکه در روزنامه ( ایندپندنت ) سیلان درباره او شده بود مدعی است که ( ۱۵۰۰ ) لیرا خساره یافته است

§ والا حضرت ( سید علی پاشا ) امیر ( تونس ) ترك زندگانی نموده و پسر ایشان ( سید محمد پاشا ) بدون هیچ مانی بر مسند پدر نامدار خود بالاستحقاق قرار گرفت § ولادت ( سید علی پاشا ) در پنجم اکتوبر سنه ( ۱۸۱۷ ) میلادی بوده در هشتاد و پنج سالگی ترك زندگانی گفت - و در بیست و هشتم اکتوبر سنه ( ۱۸۸۲ ) بوراات از جانب برادر خود ( سید محمد صدوق پاشا ) مسندنشین حکومت تونس گردید - ( سید محمد پاشا ) امیر جدید تونس سنه ( ۱۸۵۵ ) میلادی متولد شده است ( دوازدهم جون )

§ ( سر ویرادکر ) ترك زندگانی گفت § عده بوژائیکه تسلیم شده به ( ۱۰۲۲۵ ) رسیده اند § در ( کیپ ) اشهار داده اند که باغیان غیر از افسران اگر قبل از دم آگست ماه آتیه خودرا تسلیم نمایند و مقربکنانه خویش شوند فقط آزادی از ایشان باز خواهند گرفت ورنه مستوجب سزای قتل خواهند گردید § جهازیکه حامل قشون ( هاردنیچ ) با دسته قشون هندوستانی که برای شرکت در مسق جشن تاجگذاری بلندن رفته وارد ( سوتنه هاملتن ) شده - فردا این دسته قشون از ( سوتنه هاملتن ) کوچ نموده در ( هاملتن کورت ) منزل خواهند نمود - دسته قشون دو طلب در ( جلسی ) منزل خواهند نمود

§ ( لارڈ نارت بروک ) مهاراجکان ( کوالیر ) و ( کولهاپور ) و ( نواب اشرف والا آقای سلطان محمدشاه )



◀ شرح اجرت طبع کتب وغیره ▶

§ اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع مرکونه کتب عربی - فارسی - اردو - وغیره حاضراند  
 § (اول) - اجرتیکه ذیلا درزخ نامه معین شده لفظ برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرتی هائی و جلدبندی وغیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستعداند که هر قسم دستورالعمل داده شود تمویل نمایند  
 § (دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - امم براینصکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی (یعنی تا نیم آنج) - ربع کره قطع کاغذ کم یا بیش باشد بهمدین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد  
 § (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع امم از اسخ - استخماقی - شکسته مطابق خطوط متوسطه رسائل منطبعة بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود  
 § (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام اموری جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف ملبجر مطبع

● شرح نامه ●

لی جزو	حروف ریزه	حروف متوسط	حروف درشت خطی بمبئی سنز
وارسند	ده رویه	هشت رویه	هفت و نیم رویه
پاکدنده	هشت رویه	هفت رویه	پنج و نیم رویه

◀ حب سیلوا ▶

حب در ایجاد و تزئید قوه باه و امساک و رفع سرعت انزال که حقیقت عیش جوانی و معنی نشاط و کامرائی است نه آنقدر نافع و مفید است که بیان توان نمود حتی آنکه اگر جوانی مسلوب القوه یا پیری ضعیف القوه باشد و استعمال این حب نماید صاحب قوه نامه خواهد شد و علاوه براین بجهت امراض عذیده

خصوصاً تقویت دماغ - و رفع سستی او رخاوت آن - و ضعف و لاغری بدن - صرع و رعشه قاعج و تقوی - عرق النساء و زله و بدهضی غذا که بسبب زیادتى مشغله و خیال باغد و سلسل الثنی و خیالات فاسده که موجب کسالت و بطالت باشد نافع و بی نظیر است و درلسوان مسمن بدن و باعث آمدن حبض بقاعده طبعیه میباشد و هر یک از صاحبان که طالب باشد (در بمبئی اورینتلی فارسی باه کله) رجوع فرمایند صکه خواهند یافت و قیمت شیشه که بجهت استعمال بیکاه کفایت میکند از قرار (شش رویه) است و در زنی که دوازده عیسه باشد (شصت رویه) میباشد وضع استعمال آن اطراف شیشها پیچده است

◀ وضع ترکیب استعمال حب سیلوا این است ▶  
 روزی دوسرته یک حب بعد از نهار و یک حب بعد از شام به آب خالص بلع نمایند - و اگر در عرض ده روز قائده بر حسب استدعا مترتب نشد باید که روزی سه فقره سه حب بخورند - به این ترتیب که یک حب بعد از ناشتا و یک بعد از نهار و یکی بعد از شام و در ایام استعمال حب (سیلوا) باید که اغذیه مسمن بدن صرف نمود

◀ قانون نامچه جدید شرکت اسلامی ▶

◀ عطف بجا سبق ▶

◀ فصل چهارم ▶

( در آیین سرمایه طرف احتیاط است )

§ ۳۶ - چون قالب اعتبار کمپانیا و شرکتها و زرق قطعات سهام آن بسته بر سرمایه طرف احتیاط است که اگر خدای نخواسته در بین سال جگامی وارد شود منافع شرکاء محترم مقطوع لغود

لذا هر سال باصتصواب امنای عظام و تصدیق رئیس کل دام اقباله بموجب اقتضای وقت مقداری بابت منافع بشرکاء برداخته اضافه را بجهت سرمایه طرف احتیاط منظور میدارند و این رسم است که عقلای دانشمند بجهت قوام وثبات و زرق کمپانیهای شمدنه احداث نموده اند و در همه جا معمول و جاریست  
 § ۳۷ - در سر سال و تصفیه حساب هر قدر حسب الاقضا بجهت سرمایه طرف احتیاط منظور آورند

در همان ورقه صورت حساب و اعلان اظهار خواهد شد (که تمام شرکاء از ترقی سهام و مقدار سرمایه طرف احتیاط نسبت بخود شان واقف شوند)

§ ۳۸ - بعد از تشخیص سرمایه مزبور کاه قیمت سهامرا هم در آن ورقه بجهت استحضار شرکاء معین مینماید که در خرید و فروش و نقل و انتقال سهام خود که در آن سال اتفاق میافتد ملتفت باشند

§ ۳۹ - تمام شرکاء از سرمایه طرف احتیاط نسبت بدیهم خود شرکت دارند و در مبادله و انتقال مستحق سهمیه طرف احتیاط هم خواهند بود مثلاً هرکس سهام خود را بخواهد بفروشد یا بموجب بند ۲۹ خود است اداره مرکزی ؟ مسترد داشته نتواند خود را دریافت کند منافع سرمایه طرف احتیاط ایشان نیز معین و علاوه بر منافع سالیانه که گرفته اند داده خواهد شد

§ ۴۰ - کسانیکه در سال (۱۳۷۰) و بعدها از سهام اسلامی خریداری مینمایند از سرمایه طرف احتیاط هم بقدر عدد سهام حق دارند و باید قیمت سهام مظنه ماده یومیه از خریدار گرفته شود چرا که ما امید داریم قیمت سهام خیلی ترقی کند که مثلاً یک قطعه ده تومانی بیازده تومان و زیاده متداول باشد در اینصورت قیمت بلیط که فروخته میشود بهمان ماده و مظنه یومیه از خریدار گرفته میشود و اضافه آن مال خود خریدار است نسبت بدیهم خود که با سایرین در شراکت مساوی باشند \*

﴿ نبره ﴾

§ ۴۱ - جناب (حاجی) عبدالرحمن شیرازی مدیر کمپانی تجارت فارس در شیراز سکه خدایش سالیان دراز عمری پاینده و هنرمند ممتاز دهها در ابتدای تشکیل کمپانی سهام شراکت خود را شریکیت و پنجتومان طبع و مصرف نموده و از سال اول تا امسال که نهمین سال اعلان است هر سالرا ده یک که سهمی بیست و پنجقران است در دو قسط بشرکاء پرداخته و هرچه اضافه بوده است بجهت سرمایه طرف احتیاط هر سال در صورت حساب شرکاء مشخص نموده و در صندوق تحویلخانه کمپانی جز و داده دست نگذاشته امسال که سال نهم بود در یکصد هزار

تومان سرمایه چهل و چهار هزار تومان تقریباً از سرمایه طرف احتیاط اضافه و موجود داشتند که ذکر امروز احدی از شرکاء بخوهد سهم بخود را که بیست و پنجتومان روز اول خریده بفروشد مشتری بخوار در سهم سی و شصتومان دارد بلکه امروز بجهت احتیاط سرمایه طرف احتیاط شریکهای کمپانی ایشانرا در سی و هشت تومان میخرند واحدی از شرکاء اقدام بخروش ندارد

بلی سرمایه طرف احتیاط ضامن نزدیکی بجهت دفع ضرر و نقصان و اسباب اطمینان عمده بجهت کمپانی است \*

﴿ منقول از روزنامه ادب ﴾

( مکتوب اصفهان )

§ بعد العنوان - مدتیست هر جریده حیده شما مقاله مخصوص که در باب علم نگارش میفرمودید موقوف افتاده ؛ اگرچه همه بیانات شما مقالات علمیه است خداوند کوش شنوا بدهد

در نمره سی و هفتم از سال اول در ضمن مکتوب شرکت اسلامی شرحی از حالات رئیس مدرسه یهود و مقاولان او در باب دوستی وطن محبوب با مدیر محترم شرکت اسلامی درج شده بود چون باصفهان رسیدم چند روزی هم بیساعت مشغول بودم و مکاتب سرکویچهها و شوارع را ملاحظه مینمودم و وضع تأسیف انگیز آنها را بامعان نظر میدیدم که اظهارش جز اسباب خجالت ملت چیزی نیست ؛ تا رفته رفته بمحله جویباره که ممکن یهود است رقم کم کم بمدرسه (الیانس) رسیده و از رئیس آن (میو اراهم کیفیسو) که الحق مرد نجیب دلسوزی است اجازه خواسته وارد مدرسه شد. بانی دیدم مصفا در طرف قبل آن نه حجره دارد که بوضع مخصوص تمام دارای میز و صندلی و بخاری آهن و درهای شیشه و فضای باغ هم قدری ساده بجهت مشق (ژئناستیک) و قدری مشجر ؛ بعد از ملاحظه دقیقانه در وضع تدریس و تعلیم و کلم اطفال بزرگ و کوچک که بوضع مخصوص مشغول تحصیل زبان فرانسوی و آلمانی و عبرانی بودند و بطور مهربانی مطمئن آنها تقدیم مینمودند که از تخریبش عاجزیم ؛ (الیانس) مذکور بطرف دیگر رقم

که مدرسه زنانه و پنج اطاق بهمان ترتیب دارد - دخترهای بزرگ و کوچک در تحت ریاست خانم هراسوی و معلمات زنانه معقول بودند: چند نفر از پسرها و دخترها در زبان فارسی و فرانسه و عبرانی و مشق خط فارسی و فرانسه در معرض امتحان در آمده و از عهده قسمی بر آمدند که همبرالمفول بود: خیلی افسوس خوردم چیزی همراه نداشتم نثار آنها کنم: معلمی هم تازه بجهت مشق (ژیمناستیک) آورده اند (مسیو موسی حیل) قدری اطفال را مشق داد عیالاً صورت مطمین و متعاطین را در کتابچه سفر باین ترتیب نوقم

عدد شاگردان - پسر ۲۵۰ - دختر ۱۵۰  
 معلم فرانسه - يك - مواجیش ۲۰ تومان  
 معلم فارسی - يك - مواجیش ۵ تومان  
 معلم عبرانی - هشت - مواجیشانی پنجمان ۴۰ تومان  
 معلم مذهبی - يك - مواجیش ۵ تومان  
 معلم زنانه عبرانی و فارسی و غیره چهار نفر جمله مواجیشان ۱۶ تومان

ناهار این شاگردان غالباً بر عهده رئیس است لباس هم میدهد مخارج خودش با شاگردان و متفرقات تقریباً ماهی یکهزار تومان میشود - در اطاق دیگر رفته دیدم انواع گل و گیاه را بشکل متمساز و طرح مرغوب پدر و دیوار نصب نموده .

مثلاً پنبه را در روی یکصفحه بسیار بزرگی اول در شیشه کوچک پنبه دانه را گذاشته بالای صحنه صورت علف و گل پنبه را بروی او نقش نموده در یکجبهه شیشه دیگر پنبه محلول را نشان داده ده بیست شیشه دیگر انواع و اقسام پنبه امریکا و هند و ترکستان و ایران و مصر و جاهای دیگر را گذاشته :

در یکطرف پنبه تابیده و ریسمانی کلفت و باریک را با وضع خوبی آماده کرده و در طرف دیگر صفحه انواع منسوجات که با پنبه میبایند جاها گذاشته است . کذاک کزن و سایر اشیاء را : و همچنین اشکال و مجسمه جانوران وحشی و انسی را و هزار چیز دیگر که اطفال را بعد از تکمیل درس بوضیقه میدانند تعلیم نیک فطرتی و مدن شناسی و معرفت حیوانات و غیره میبایند که مثل بعضی با اطفال در پیشه بیگار و

بی علم و هرزه نشوند:  
 از قراریکه میگفت خیال دارد یکدستگاه مسکری هم در مدرسه دایر نماید که اطفال اواسطه یهود را بصفت مسکری بکارند . خیلی او را تعجبید و تحسین کردم گفت که این زحمت ما که از بلاد دور شد رحال نموده و پوهای کزاف بمصارف آنها میرسانیم قابدهاش زودتر از چهل پنجاه سال دیگر باید نخواهد شد و نتیجه آن بعد از ما بئر میرسد : زیرا که هنوز این اطفال با پدر و مادر بی تربیت خود محشورند و هر قدر دارای جوهر باشند معاشرت با آنها مؤثر است ولی انشاءالله اولاد اینها مواسق دلتوا میشوند و آنچه مقصود است در آنها ظاهر میشود

باری خیلی با کراه خدا حافظی کرده از مدرسه بیرون آمدم و در کوچه هرچه دیدم اطفال یهود با کمال ادب و طرح نظام جفت جفت بخانهای خود میرفتند : این مدرسه مریضخانه مختصری هم دارد که مفصل خواهد شد علیالوجه کوبک بی اسرائیل اسفهان هم رو بصعود است میترسم از اینها هم عقب بنایم - خدایا ابواب علوم را بر ما مفتوح کن که از بی علمی مظلومانه مردیم . (ویر حماته عبداً قال آمیناً)

◀ ادب ▶

§ امروز وضع مدارس و اکثریت عدد جماعت یهود در بغداد و بلاد شام و سایر ممالک عثمانی و ترکستان روس بطوری منظم شده و اسباب ترقی و پیشرفت تحصیلات آنها فراهم گشته است که از شنیدن اندکی از آنها عقلمات و متعجب میماند

هیچ ملتی از این جماعت ذلیل تر و پست تر و بیصاحب تر نبودند ما که عزت و اقتدار و صاحب سر کرده داریم تا ده سال دیگر هم متوقع نیستیم که در دنیا تربیت و ترقی و تحصیلات اطفال خود مان را با آنها برابر سازیم

این مسئله جای صد هزارند به و تأسف و خجالت و شرمساری است چنانچه نگارنده در چند ماه قبل که به بخارا و سمرقند رفته بودم مدارس متعدده یهود آنجا را سرکشی کرده با وجود کمال بی میلی که تمام دولت و مال اصبت به بی اسرائیل دارند و با وصف اقبالی که دولت نخبه روسیه بدم پیشرفت مقاصد

آنها بلکه بمنع اقامت ایشان در خاک خود با کمال جد و جهد مصروف میدارد - اطفال مدارس این طایفه بطوری تربیت و تکمیل و ترقی یافته بودند - که این بنده بر ابعثان رشک برده و غبطه خورده نزدیک بود از غمه هلاک شوم که چرا ما بد بختان با آن همه اسباب مهیا و لوازم آماده یکمدرسه صحیحی که مثل مدرسه مسکینان فریة بنی اسرائیل باشد نتوانستیم این در ممالک اسلامیة خود دایر سازیم

در شهر مشهد مقدس با آن همه موقوفه که در طومارهای مختلفه و وقفنامههای متعدده نام برده و برای مدرسه سادات در آستانه مقدسه معین شده است یا وجود اقدامات و اهتمامات و میل باطنی بندگان تولیت عظمی دامت شوکت و آن همه تشویقاتی که مادر اوراق ادب نموده و تزییناتی که ایشان در پیش خود داده اند هنوز تغییری در وضع این مکتب مقدس ظاهر نشده و نیدانیم این مشروع شریف و نیت مقدسه در چه هنگام از قوه بفعل خواهد آمد بارهم منتظریم تا خدا چه خواهد باری چند قطعه عکس اطفال مدارس یهودان سمرقند و بخارا را که از آن قاطب با خود آورده ام در اداره موجود است اگر غیرتمندان آنها را مشاهده نموده و از وضع ایشان مطلع شوند - شاید خون مسلمانی بجوش آید و آب ترقی در جویبار ملت مام جاری شود

### مدرسه کال در تبریز

از قرار اخبار تبریز در چندی قبل موقع سال چهارم امتحان شاگردان مدرسه کال بود جماعتی از خواص و بزرگان به در آنجا دعوت شده و در حضرت ایشان شاگردان مدرسه در نهایت خوبی از عهده امتحانات لارمه برآمدند ولی خیلی محل افسوس است که مدیر مدرسه مزبور به آن همسایگی و زحمت و کوشش و مجاهده که در تربیت انبای وطن دارد در این مدت مقمادی حرکتی که اسباب تفویق و امیدواری او باشد از طرف اولیای اطفال و بزرگان ملت ظاهر نشده است بچاره چهار سال است که با خون جگر و ریاضت شاقه هر زمستان و تابستان از بامداد هرروزه از اقصای محله (لیلی آباد) که از آنجا تا مدرسه یکفرسخ راه متجاوز است کفش طلب در پای همت کرده و بامید نتیجه

خیر این راه دراز را پیورده خود را بمقصد رسانیده تا غریب بخدمت فرزندان وطن مشغول است وقت غریب باید بختانة خود مراجعت نماید

و این حرکت در زمستان محتمل بسیاری از مخاطرات است که اگر شوق و اضطراب داعی نباشد هیچکس مرتکب آن نخواهد شد بچاره مدیر بکنن نهاست بدون حامی و معاون و معاضد باید شخصاً تمام کارها برسد و هر روزه دستورالعمل درس و تحصیل شاگردان را بدهد و در جزئی و کلی امور مدرسه سرکشی کند مایه مبالغ کلی از بیات مواجب اعضا و معلمین و کرایه حیاط و غیر ذلک از کبیته خود در اول ماه پردازد و آنها را یکان یکان مستمال دارد که مبتدا فردایی قهر کند و کار تحصیلات بتعمیق اقتد

اما هموطنان محترم اولاً بعضی از ایشان که مغرب علم و مدنیت هستند و جناب مدیر کرامی را بمفروض و مردود و مخالف سلیقه خود دانسته و میکوبند اینها بدرد ما نمیخورد : خدا و پیغمبر ما فرموده است که کسی جغرافیا و هندسه بخواند (و حال اینکه نمیدانند که خدا و پیغمبرم درس هندسه و جغرافیا داده وهم بخواندن و تحصیل آن امر فرموده اند و اثبات این مسئله برصده نگارنده است و مما قریب عرض میدارد ولی از آن اشخاص عجب است که چرا در موقع پوشیدن ماهوت انگلیسی و خوردن قند روسی و صرف لیمنات و کاره فرنگی منتظر فرمان و حکم خدا و پیغمبر نیستند !!! ) بعضی دیگر مقلد همسایگان هستند یعنی کور کورانه بعضی تقلید روسها و عثمانها فرزندان خود را بمدرسه میفرستند و از ترقی و تربیت سخن میگویند : فقط زبانی دارند که طوطی وار حرکت میکند: دیگر از چشم بینا و هل دانا و کوش شنوا محرومند : این جماعت را سورچران و مقلد و بسباره اخری (بازیت) خطاب باید کرد که بتقلید ترویج مآرف مینابند و چون آتش شوق در کانون خاطرشان مغتعل نیست از ادای تخواه مضایقه دارند و کودکان خود را با وجود تمول و ثروت بجان بکتب فرستاده منت هم میکنند :

کبرم که خر کند تن خود را بشکل کاؤ

کوشاخ بهر دشمن و کوشید بهر دوست

فرقة ديگر جامعي هستند که در عالم غريب و در نظر انبای جلس مردو و ميباشند : زيرا که افکار ايمان با خيالات اين عصر جنسيت ندارد عقلا ميدانند ظاليت در اقليت است : ولي ايمان بمحمدآقا عمالي واحد کالفتد و بهمت يکنفرشان در ظرف ده سال هزار مرده پوسيده از خاک برهيمخيزند و هزاران عاقه و مضغه جوان نوحط سرو بالا ميشوند : چنانچه جناب مستطاب اشرف پراس ارفع الهوله سفير کبير دولت عايم ايران قيم اسلامبول دام اجلاله در تاسيس مدرسه دانش و احبای مرده دلان افغانس مسيحاني بکار برده و اساس جاوداني بر جا هشتند . اين است سي و همت بزرگان قوم و دانايان جهان . باري بيانم سر مطلب

مدیر مدرسه کمال دخل روزنامه خود را هم بمرکار مدرسه گذاشته و باز بجای نرسیده بدلیل اینکه آنهايکه شهریه فرزندان خود را بمدرسه نمیدهند بدلات روزنامه را بطريق اولی نخواهند داد . آنها روزنامه که اسم ایشان در او نباشد و تعريف ایشان را نوشته باشند برای سوختن خوبست ....

ای خاک شور انگیز و ساکنان عزیز دارالسلطنه تبریز ؟ چکنم که خار شما دو جعم من است و خارستان شما در نظرم خارستان و جن . حاداکه از درد بطيبان حکایت برم یا زخم شما را بمحيبان حکایت کنم .

غيرتم آيد شکایت از تو بهرکس

درد احبا نيميرم باطباء  
آيا برای خدا الصافي است که مدير محترم کمال بعد از سه چهار سال تربيت و خدمت و ههکی فرزندان شما مقروض و پریشان باشد . صورت حساب و دفتر خرج و دخل خود را بنجاید و اعطانا فرمائيد ؟ آيا اين مرد زهت نکشیده و هر گرانها در اين راه تلف نموده ؟ یا هتارج و اقداماتی که در اين کار کرده بهانی بوده ؟ یا محلی از بابت اوقاف و خيرات باو داده شده ؟ یا صورتی که نوشته و اعلان کرده است اصل ندارد و دروغ نوشته ؟

### افغانستان

هر عاقل غير نمند کار آگاهی که بيشم بصيرت در

حق در پای خيالات طالبه والا حضرت امير افغانستان در نکرد الصاف میدهد که اين انکار تماماً از روی کمال عقل و وفور بصيرت و سيادت در امور است : و تمام ملاحظاتی که ایشان از حيث منع اتصالات راه آهن و تاکراف بخارجه : و بی دبی بفرنگی مآبان : و عام توجه بهال التجارة اجنيان : و بی اعتنائی بزبان و لغت ایشان : و نشر علوم والسنة اسلاميه : و غيرها در مملکت خود فروددهاند از روی کمال غيرت و تعصب و حب دين و وطن و حفظ حدود ملت و دولت بوده است : ولي همکار محترم ما یعنی ( مدير جريدة عشق آباد ) در بيان ( مسئله باور نکردنی ) قدری تند رفته . یا ببارة اخري همو کرده . یا بکلی از آنچه ما ميگوئيم و همه عالم گواهي میدهند بی خبر بوده است . گویا بائیک دانهای خارجه کان میکنند که نزاع شيعه و سنی هم مانند منازعات کافر و مسلمان یا مشاجرات مشرک و موحد است . یا اين دو شمية نورانی نسبت بيکديگر در مقام عداوت و اغراض خصمانه و حشيانه برميانند : بلی در ایام سابق کاهی بعضی از سلاطين اسلام برای توسعه ملک و باره اغراض شخصيه خود برسر بيکديگر هجوم کرده لفظ ( ناصيان ) و ( رافضيان ) را از دو طرف عنوان ساخته دست طمع بال و جان بيکديگر دراز میکردند ( و حال اینکه در موقع خود ثابت خواهم نمود که ( ناصی ) و رافضی دخلی به ( سنی ) و ( شيعه ) ندارد و اين دو عنوان را بر اين دو سلسله اطلاق نشاید کرد : تا بسان مسیح هم ساليان دراز بواسطه حمايت ( کاتولیک ) و ( پروتستان ) و عنوان ( کلیسای شرقی ) و ( کلیسای غربی ) در صدد تشنگ و سوختن بيکديگر برآمده بسی آبادها را ويران کردند و بسا خاندانها را منقرض نمودند و اگر علمای اسلام از تحريك و تهيج جهال در اشتغال آتش فتنه در اين عصر دست برداشته اند . رؤسای روحانی اهل صليب هنوز از تحريك عوام دست بر نمیدارند . فعلاً سلاطين اسلام بمحمدآقا عمالی در کمال صفا و دوستی و برادری مقدمواحدت و مواخات بسته و بهمدستی و معاونت بيکديگر بمحفظ حدود و نفوس اسلام و سرپرستی امت پيغمبر اکرم صلی الله عليه وآله وسلم پرداخته اند .